
غدیر
در سیره عملی
امام هادی


بسم الله الرحمن الرحیم

غدیر در سیره ی عملی امام هادی علیه السلام

نویسنده:

محمد رضا شریفی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غدیر در سیره ی عملی امام هادی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱

عنوان و نام پدیدآور:غدیر در سیره ی عملی امام هادی علیه السلام/ محمد رضا شریفی.

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: امام هادی (ع) - غدیر

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

در روز غدیرخم پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر معرفی سیدالاوصیاء ، مولی علی علیه السلام ، دیگر ائمه معصومین علیهم السلام ، از جمله امام هادی علیه السلام را نیز، به امرالهی، برای خلافت و وصایت خود، معرفی کرده و در خطابه غدیر فرمودند:

«ثُمَّ مِنْ بَعْدِی عَلِیٌّ وَلِیُّکُمْ وَ إِمَامُکُمْ بِأَمْرِ رَبِّکُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِی ذُرِّیَّتِی مِنْ وُلْدِهِ إِلَی یَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَه» (۱)

«و پس از من علی علیه¬السلام ، به فرمان خداوند ، پروردگارتان ، صاحب اختیار، سرپرست و امام شما است، سپس امامت در ذریه¬ی من از فرزندان علی علیه¬السلام قرار خواهد گرفت تا روزی که خدا و رسول او را دیدار کنید».

بنابراین هرکدام از اهل بیت علیهم¬السلام به نحوی به تبیین وظائف، شئون و اختیارات امام معصوم علیه¬السلام، در خطبه¬ها، نامه¬ها، زیارات و روایات پرداخته، و با طرح امامتِ منصوصی با ریشه¬ی قرآنی، به عنوان حقی که خداوند بر عهده¬ی امامان علیهم¬السلام گذاشته، به آن استشهاد نموده¬اند و به اشکال مختلف بر اساس واقعه¬ی مهم و تاریخی غدیر، به رهبری الهی خود، در این گفتمان، تصریح نموده¬اند، باتوجه به شرایط زمانی و نیاز مردم به تقویت عقائد در مورد امامت، امام هادی علیه¬السلام به نحو شایسته ای به میدان آمده و علاوه بر معرفی خود، به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و امام هدایتگر، برای مردم، با طرح زیارت غدیریه و زیارت جامعه¬ی کبیره و اتمام حجت هایی در این زمینه، جایگاه همه¬ی اهل بیت علیهم السلام را در بحث امامت تفسیر و تبیین نموده¬اند.

بنابراین با دقت و تأمل در سیره¬ی عملی امام هادی علیه¬السلام، به اتمام حجت هایی قوی راجع به غدیر و امامت می¬رسیم که با عنایات حضرات معصومین علیهم¬السلام به ویژه آن حضرت متذکر آنها می شویم و با تقدیم آن به محضر امام باقر علیه السلام ، در روز اول رجب ، خشنودی اهل بیت علیهم السلام ، خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خواستاریم و برای ظهور و فرج آن حضرت دست به دعا بر می داریم.

رجب المرجب ۱۴۳۳ه.ق

غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله)

محمد رضا شریفی

۱- احتجاج/ ج ۱/ ص۵۹.

بخش اول: اتمام حجتهای حضرت امام علی النقی علیه السلام با غدیر

اشاره

۱- امـام هـادی علیه السـلام در سالی که معتصم عباسـی آن حضـرت را از مـدینه به سامرا آورد، در روز غـدیر به کوفه آمدنـد و به زیـارت قبر امیرالمؤمنین علیه¬السـلام در نجف رفتنـد و زیـارت مفصـلی را که شامـل یـک دوره¬ی کامـل اعتقـادی دربـاره¬ی فرهنگ غـدیر است خواندنـد و ماجرای غـدیر را ضـمن آن چنین بیان فرمودند: پیامبر صـلی اللَّه علیه و آله سـنگینی سـفر را بر خود هموار نمود و در شـدت گرمـای ظهر بپا خاست و خطابه¬ای ایراد کرد و شـنوانید و نـدا کرد و رسانیـد و... فرمود: «مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ...»، ولی جز عده ی کمی ایمان نیاوردند.

۲- اهـل اهواز نـامه¬ای به امام هادی علیه¬السـلام نوشـتند و سؤالاتی را مطرح کردنـد. حضـرت در پاسـخ آنان نامه ای نوشـتند و جـواب سؤالاتشـان را دادنـد و از جمله فرمودنـد: مـا این آیه را در قرآن می¬یـابیم که «انمـا ولیکم اللَّه و رسوله و الـذین آمنوا...»، روایات متفق است که این آیه درباره¬ی امیرالمؤمنین علیه¬السلام است. بعد می¬بینیم که پیامبر صلی اللَّه علیه و آله علی بن ابی طالب علیه¬السـلام را از بین اصـحابش جـدا کرد و این عبارت را بکار برد: «مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ». از این ارتباط می¬فهمیم که قرآن به درستی این اخبار و حقانیت این شواهد گواهی می دهد. (۱)

پاورقی بخش اول

۱- اسرار غدیر/ ص ۲۸۱.

بخش دوم: غدیر در زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام

اشاره

روحِ این زیارت زیبا و جامع که امام حسن عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام نقل می کند، تولی و تبری است؛ با سـلام بر پیامبر اسلام و انبیاء و فرشتگان و بندگان صالح خدا و وارث علم انبیاء امیرمؤمنان علی علیه السلام شروع می شود، و با لعن قاتلان انبیاء و اوصـیای آنها و قاتل امیرمؤمنین علیه السلام و غاصبان حق او و جنگ کنندگان با او و قاتلان امام حسین علیه السـلام و پیروان آنها، و صـلوات بر پیامبر اسـلام و سید اوصـیاء علی علیه السـلام و آل پاک او خاتمه می یابـد. و در اثناء به مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السـلام که در آیـات و روایات آمـده، و نیز به اذیت ها و ظلم های وارد بر حضـرت و غصب فـدک و ظلم به حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و... اشاره شده است. (۱)

یکی از جلوه‌هـای زیبـای بزرگـداشت غـدیر در زیـارت مخصوص امـام علی علیه السـلام در روز غدیرمشاهـده می‌شود. کلمات آن زیارت زمزمه روح نواز امام هادی علیه السـلام است و تاریخ صدور آن سالی است که معتصم خلیفه عباسی آن حضرت را به بغداد احضـار کرد. در این موقعیت، حضرت به زیارت‌امیرمومنان علیه السـلام شـتافت؛ حـدیث دلبری و یادمان ارزشـهای راستین راتجلی دیگر بخشید و میراث ماندگاری از شکوه ولایت در خاطره‌ها به‌یادگار گذاشت.

در زمینه اتقان سند و استحکام صدور آن صاحب «هدیه‌الزائرین» می‌نویسد:

«شیـخ جلیـل محمـد بن المشـهدی یکی از بزرگـان علمـا است. درمزار کبیر برای این زیارت شـریفه سـند بسیار معتبری ذکر نموده که‌کمتر خبری به قوت سـند او می‌رسـد؛ و عبـارت او در این مقام چنین‌است: خبر داد مرا فقیه اجل ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی

از فقیه عماد محمد بن ابی القاسم الطبری از ابی علی از پدرش محمد بن الحسن (شیخ طوسی) از شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان از ابی‌القلسم جعفر بن قولویه از محمد بن یعقوب کلینی از علی بن‌ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از ابی القاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید عمری از ابی محمد حسن بن علی العسکری از پدرش«امام هادی علیه¬السلام» و این سلسله شریفه همه از اعیان علما و شیوخ طائفه و روسای مذهب‌اند و جناب ابوالقاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید هر دو از نواب امام عصر علیه السلام هستند و بعد از تامل معلوم‌می‌شود که در تمام زیارات ماثوره زیارتی به این وجه از صحت واعتبار و قوت سند پیدا نمی‌شود.»

محتوای زیارت درباره فرهنگ غدیر و زندگی شکوهمند امام علی علیه السلام است.

فرازهایی از زیارت غدیریه

اشاره

فرازهایی از زیارت غدیریه

در زیارت غدیریه امام هادی علیه¬السلام به مناقب، فضائل، القاب، آیات ولایت در مورد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه¬السلام اشاره شده است از جمله: ۱- اختصاص لقب امیرالمؤمنین علی علیه¬السلام؛ ۲- اعلمیت امیرالمؤمنین علیه¬السلام؛ ۳- سئوال و باز پرسی از ولایت؛ ۴- ایمان امیرالمومنین و نخستین مسلمان بودن آن حضرت؛ ۵- شجاعت امیرالمؤمنین علیه¬السلام؛ ۶- عبادت امیرالمؤمنین علیه¬السلام؛ ۷- علی یعسوب المؤمنین است؛ ۸- علی قائد الغر المحجلین است؛ ۹- اخوت پیامبر با علی علیه¬السلام؛ ۱۰- آیات ولایت (ایه تبلیغ، آیه اکمال، آیه ولایت، آیه سأل سائل بعذاب واقع) که در ذیل به بعضی از آنها به تفصیل اشاره می¬نماییم.

الف- مناقب و القاب امیرالمؤمنین علیه السلام

الف- مناقب و القاب امیرالمؤمنین علیه¬السلام:

۱)- عليٌّ امیرالمؤمنین.

۲)- عليٌّ سید الوصینن.

۳)- عليٌّ وارث علم النبیین.

۴)- عليٌّ ولی رب العالمین و مولی المؤمنین.

۵)- عليٌّ امین الله فی ارضه و سفیره هی خلقه.

۶)- عليٌّ حجه الله البالغه علی عباده.

۷)- عليٌّ دین الله القویم و صراطه المستقیم.

۸)- عليٌّ النبأ العظیم.

۹)- عليٌّ سید المسلمین و یعسوب المؤمنین، و امام المتقین، و قائد الغر المحجلین.

۱۰)- عليٌّ اخو رسول الله.

۱۱)- عليٌّ وصی رسول الله و وارث علمه و امینه علی شرعه و خلیفته فی امته.

۱۲)- عليٌّ اول من آمن بالله و صدق بما انزل علی نبیه.

۱۳)- عليٌّ اولى بالمؤمنين من انفسهم.

۱۴)- عليٌّ الذابّ عن دينه.

۱۵)- عليٌّ الذى نطق القرآن بتفضيله.

۱۶)- عليٌّ المخصوص بمدحه الله، المخلص لطاعه الله.

۱۷)- عليٌّ سيد الوصيين ، و اول العابدين و ازهد الزاهدين.

۱۸)- عليٌّ مطعم الطعام على حبه مسكيناً و يتيماً و اسيراً لوجه الله.

۱۹)- عليٌّ الكاظم للغيظ، و العافى عن الناس.

۲۰)- عليٌّ الصابر فى البأساء و الضرّاء و حين البأس.

۲۱)- عليٌّ القاسم بالسويّه، و العادل فى الرعيّه، والعالم بحدود الله من جميع البريّه.

۲۲)- عليٌّ المخصوص بعلم التنزيل، و حكم التأويل، و نص الرسول.

۲۳)- عليٌّ له المواقف المشهوده، و المقامات المشهوره، و الايام المذكوره، يوم بدر و يوم الاحزاب و يوم احد و يوم حنين و يوم خيبر.

۲۴)- عليٌّ حائز درجه الصبر، فائز بعظيم الاجر.

۲۵)- عليٌّ الحجه البالغه، و المحجه الواضحه، و النعمه السابقه، و البرهان المنير.

۲۶)- عليٌّ شهد مع النبى صلى الله عليه و آله جميع حروبه و مغازيه.

۲۷)- عليٌّ احسن الخلق عباده و اخلصهم زهاده، و اذبّهم عن الدين.

۲۸)- عليٌّ لا تاخذه فى الله لومه لائم.

ب- حقايق و فضائل حضرت اميرالمؤمنين عليه السلام

ب- حقایق و فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه¬السلام

۱)- بسیاری از صحابه پس از عهد و پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه¬السلام پیمان خود را شکستند: «فلعن الله جاحد حقك بعد الاقرار، و نامث عهدك بعد الميثاق»، « فما آمن بما انزل الله فيك على نبيه الا قليل، و لازاد اكثرهم غير تخسير...»

۲)- اشاره به ماجرای لیله¬المبیت (خوابیدن علی علیه¬السلام در بستر پیامبر): «اشهد انك و عمك و اخاك الذين تاجرتم بنفوسكم؛ فانزل الله فيكم: «ان الله اشترى من المومنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه».

۳)- اکمال دین با ولایت او در روز غدیر: «ان العادل بك غيرك عاند عن الدين القويم، الذى ارتضاه لنا رب العالمين و اكمله بولايتك يوم الغدير».

۴)- اشاره به ماجرای غدیرخم و خطبه ی پیامبر صلی الله علیه و آله: «ان الله تعالى استجاب لنبيه صلى الله عليه و آله دعوته، ثم امره باظهار ما اولاك لامته اعلاء لشانك، و اعلاناً لبرهانك و دحضاً للاباطيل، و قطعاً للمعاذير؛ فلما اشفق من فتنه الفاسقين، و اتقى فيك المنافقين، اوحى اليه رب العالمين: «يا ايها الرسول بلغ ماانزل اليك من ربك».

۵)- اشاره به منقبت تصدق امیرالمومنین علی علیه¬السلام در حال نماز: «انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلاه و يؤتونالزكوه و هم راكعون.»

۶)- اشاره به نزول سوره¬ی هل اتی درباره¬ی اهل بیت علیهم¬السلام: «انت مطعم الطعام على حبه مسكيناً و يتيماً و اسيراً لوجه الله لا تريد منهم جزاء و لا شكوراً».

۷)- اشاره به نزول آیه¬ی : «افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستون» درباره-ی حضرت علی علیه¬السلام: «والله تعالی اخبر عما اولاک من فضله بقوله: «افمن کان مؤمناً...».

۸)- اشاره به دلاوری¬های امیرالمؤمنین علیه¬السلام در جنگ با کافران در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله ، جنگ بدر، احزاب، احد، حنین، خیبر: «و لک المواقف المشهوده، و المقامات المشهوره، و الایام المذکوره، یوم بدر و احزاب ...».

۹)- اشاره به نبردهای امیرالمؤمنان علی علیه¬السلام با منافقان پس از شهادت پیامبر: جمل، صفین، نهراان: «واذ ماکرک الناکثان...»، «اقیمت حدودالله بسیفک، و فللت عساکر المارقین بسیفک ...»، «و لمارایت ان قتلت الناکثین و القاسطین و المارقین ...»

۱۰)- اشاره به نزول آیه¬ی «وکونوا مع الصادقین» در حق امیرالمومنین علی علیه¬السلام: «وقد امر الله تعالی باتباعک، و ندب االمومنین الی نصرک، و قال عزوجل: «یاایها الذین آمنوا اتقوا اله و کونوا مع الصادقین».

۱۱)- اشاره به شهادت عمار یاسر به دست فئه¬ی باغیه (تشکل معاویه): «وعمار یجاهد و ینادی بین الصفین ...».

۱۲)- اشاره به غصب فدک و ظلم به حضرت زهرا علیهاالسلام: «والامر الاعجب و الخطب الافظع بعد جحدک حقک، غصب الصدیقه الطاهره الزهراء...».

۱۳)- اشاره به نزول آیه¬ی تطهیر در حق اهل بیت علیهم¬السلام: «و قد اعلی الله تعالی علی الامه درجتکم، و رفع منزلکتم، و ابان فضلکم، و شرفکم علی العالمین، فاذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیراً...»

۱۴)- اشاره به ماجرای حکمیت: «و کذلک انت لما رفعت المصاحف...»

۱۵)- اشاره به شهادت امیرالمومنین علی علیه¬السلام به دست اشقی الاولین و الآخرین: «قلت: اما آن ان تخضب هذه من هذه، ام متی یبعث اشقاها..».

۱۶)- اشاره به شهادت جانسوز امام حسین علیه¬السلام و یاران او: «اللهم العن ظالمی الحسین و قاتلیه و المتابعین عدوه و ناصریه، و لراضین بقتله و خاذلیه لعناً و بیلاً».

۱۷)- اشاره به آیات فراوانی که در حق امیرالمؤمنین علی علیه¬السلام نازل شده است.

۱۸)- اشاره به روایات دیگری که از پیامبر صلی الله علیه و آله که درباره¬ی امیرالمؤمنین علی علیه¬السلام وارد شده است.

ج- تبری در زیارت غدیریه

ج- تبری در زیارت غدیریه

قابل توجه کسانی که لعن را جایز نمی¬دانند، یا از خواندن زیارت عاشورا و لعن کافران و منافقان هر چند مخفیانه نهی می¬کنند، یا لعن کافران و منافقیان را بی فایده می¬دانند! به این فرازهای زیارت توجه کنید:

۱)- «فلعن الله جاحد ولایتک بعد الاقرار، و ناکث بعد المیثاق».

۲)- «فلعن الله مستحلی الحرمه منک، و ذائدی الحق عنک».

۳)- «فلعن الله من ساواک بمن ناواک»

۴)- «فعل ابی العادیه لعنه الله و لعنه ملائکته و رسله اجمعین، و علی من سل سیفه علیک، و سللت سیفک علیه یا امیرالمؤمنین، من المشرکین و المنافقین الی یوم الدین ...».

۵)- «اللهم العن قتله انبیائک، و اوصیاء انبیائک بجمیع لعنائک، و اصلهم حر نارک، و العن من غصب ولیک حقه، و انکر عهده، و جحده بعد الیقین و الاقرار بالولایه له یوم اکملت له الدین، اللهم العن قتله امیرالمؤمنین و من ظلمه، و اشیاعهم و انصارهم».

۶)- «اللهم العن ظالمی الحسین و قاتلیه، و المتابعین عدوه و ناصریه، و الراضین بقتله و خاذلیه لعناًو بیلاً».

۷)- اللهم العن اول ظالم ظلم آل محمد و مانعیهم حقوقهم، اللهم خص اول ظالم و غاصب لآل محمد باللعن، و کل مستن بما سن الی یوم القیامه».

د- آیه ی ولایت در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام

د- آیه ی ولایت در مورد امیرالمؤمنین علیه¬السلام

در زیارت غدیر از آیه ولایت‌یاد شده است که می‌فرماید:

«انما ولیکم‌الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه ویوتون الزکاه و هم راکعون و من یتول‌الله و رسوله و الذین آمنوافان حزب‌الله هم الغالبون.»

سرپرست و ولی شما تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان‌آورده‌اند، همانها که نماز برپا می‌دارند، و در حال رکوع زکات‌می‌دهند؛ و کسانی که ولایت‌خدا و پیامبرش و افراد با ایمان راپذیرند، پیروزند، زیرا حزب و جمعیت خدا پیروز است.

مفسران اهل سنت و شیعه در شان نزول این آیه به نقل از ابوذر چنین می‌نویسند: ابوذر گفت: من به دو چشم خویش دیدم و به دو گوش‌خود شنیدم و چنانچه خلاف آن را نقل کنم، نابینا و ناشنوا گردم. که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«علی قائد البرره و قاتل الکفره و منصور من نصره و مخذول من‌خذله؛ علی پیشوای نیکان و قاتل کافران است. هر کس او را یاری‌کند، از ناحیه خداوند یاری می‌شود و هر کس او را تنها بگذارد،خدا او را خوار می‌سازد.»

بدانید من روزی نماز ظهر را با پیامبر صلی الله علیه و آله خواندم. فقیری کمک خواست؛ اما کسی چیزی به او نداد. در این حال سائل دستهای خویش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله کمک خواستم اما کسی به من کمک نکرد.

علی علیه السلام که در حال رکوع بود و انگشتر در دست راست خویش‌داشت. به سائل اشاره کرد. سائل به سوی حضرت رفت و خاتم از انگشتر حضرت بر گرفت. رسول گرامی اسلام که این منظره رامشاهده کرده بود.- پس از نماز خویش دست به دعا برداشت و فرمود:

خدایا، موسی از تو خواستار شرح صدر و آسانی کار و باز شدن گره زبان خویش برای فهماندن کلامش شد و از تو خواست برادرش هارون را وزیر، پشتیبان و شریک در کارش قرار دهی و تو در پاسخ او فرمودی: «سنسد عضدك باخیك و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا» به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم و نیرومند می‌کنیم و برای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم و به برکت آیات ما بر شما دست نمی‌یابند.

خدایا، من محمد پیامبر و برگزیده تو هستم. خدایا، به من سعه صدر و آسانی در کار عطا کن و علی را که از اهل من است. وزیر و پشتیبان من قرار بده.

پس سوگند به خدا هنوز کلام پیامبر صلی الله علیه و آله تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! بخوان: «انما ولیکم‌الله و رسوله... »

این شأن نزول را علاوه بر محدثان و مفسران شیعه بسیاری ازاهل سنت نیز نقل کرده‌اند.(۲)

استحکام این روایت نزد اهل سنت به گونه‌ای است که فاضل‌تفتازانی در کتاب شرح المقاصد (۳) و مولی علی قوشچی درشرح تجرید می‌گویند: «انها نزلت باتفاق المفسرین فی علی ابن ابی‌طالب علیه السلام حین اعطی السائل خاتمه و هو راکع فی صلاته.»

به اتفاق مفسران این آیه در حق علی ابن ابی طالب علیه¬السلام نازل‌گردید، زمانی که انگشتری را در حال رکوع به سائل بخشید.

مرحوم علامه امینی (ره) شصت و شش سند برای این حدیث ذکر می‌کند که جویندگان می‌توانند به آن مراجعه کنند حسان در این

باره سروده‌ای دارد که در مدارک اهل سنت نیز نقل‌شده است:

«ایذهب مدحی و المحبین ضایعا و ما المدح فی ذات الاله بضائع فانت الذی اعطیت اذ انت راکع فدتک نفوس القوم یا خیر راکع بخاتمک المیمون یا خیر سید و یا خیر شار ثم یا خیر بایع فانزل فیک‌الله خیر ولایه و بینها فی محکمات الشرایع»

آیا مدح من و دیگر دوستداران و عاشقان ضایع می گردد؟! چنین نیست، مدحی که در راه خدا باشد از بین نخواهد رفت. تو بودی ای اباالحسن که در حال رکوع با انگشتری مبارک خود انفاق کردی.

جانهای مردم فدای تو باد ای بهترین رکوع کننده و ای بهترین آقاو خیرخواه و ای بهترین فروشنده «مال خود به خدا».

سپس خدای درباره تو آیه ولایت «انما ولیکم‌الله» را که بهترین ولایت است. نازل فرمود و آن را در کتاب آسمانی و آیات روشن خویش بیان کرد.

امام هادی علیه السلام در نامه‌ای که به اهل اهواز ارسال داشت بر آنچه در این زیارت درباره آیه ولایت آمده تاکید ورزیده، می‌فرماید: صحیح‌ترین خبری که قرآن به صحت آن نیز گواهی داده است‌حدیثی است‌که به اتفاق نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام فرمود: من دو جانشین و در تعبیر دیگر دو چیز گرانبها برای شما باقی می گذارم: کتاب خدا و عترت.

اگر به این دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

ما شواهد این حدیث را آشکارا در آیه «انما ولیکم‌الله و رسوله...» می‌بینیم. «ثم اتفقت روایات العلماء فی ذلک لامیرالمومنین علیه السلام انه تصدق بخاتمه و هو راکع» سپس روایات دانشمندان به اتفاق بیانگر آن است که این آیه شریف درباره امیرمومنان علیه¬السلام نازل شد آن هم زمانی که حضرت در حال رکوع انگشترش را صدقه داد. سپس رسول گرامی آن را به روشنی بیان کرد و فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا، هر کس علی را ولی باشد تو نیز او را ولی باش و هر کس با او دشمن باشد تو نیز او را دشمن باش؛ و در حدیث دیگر می‌فرماید: علی علیه السلام قرضهای مرا پرداخت می کند و او بعد از من خلیفه شما است.

از اینها متوجه می‌شویم که قرآن بر درستی این اخبار گواهی‌داده، امت باید پذیرای آن باشد.

قراین زیر نشان می‌دهد مراد از «ولی» سرپرست و اولویت درتصرف است.

۱- شأن نزول آیه ولایت

پس از اینکه پیامبر گرامی اسلام از خداوند خواست برای او وزیری از اهل خویش همانند هارون وصی حضرت موسی علیه¬السلام قرار دهد، این‌آیه برای برآوردن این خواسته نازل شد و طبیعی است. آیه وقتی با خواست پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق است که ولایت به معنای سرپرستی و وصایت باشد؛ زیرا در این صورت علی علیه¬السلام وزیر رسول خدا خواهد بود و خواسته آن حضرت اجابت شده است.

اگر ولایت به معنای «دوستدار» باشد، با خواست پیامبر هم‌آهنگ نیست.

۲- مفرد بودن «ولی» و عدم تکرار آن

آیه همان ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را برای صدقه دهنده در حال رکوع نیز اثبات می کند؛ زیرا ولی به صورت مفرد آمده و تکراری صورت نگرفته است. با توجه به کلمه انما که در کلام عرب بیانگر انحصار است. آیه شریفه می‌فهماند که این ولایت در خدا و پیغمبر و شخصی که در حال رکوع صدقه داده، منحصر است؛ و در این صورت جز معنای سرپرستی و اولیت در تصرف معنایی نخواهد داشت؛ زیرا اگر ولی در آیه به معنای دوست باشد، نادرستی آن روشن است و دوست مردم به این سه منحصر نیست.

کیفیت انطباق آیه بر امام علی علیه¬السلام

گروهی می گویند: چگونه جمله «الذین آمنوا» در آیه ولایت بر امام علی علیه-السلام منطبق می‌شود در حالی که جمع است و نمی‌تواند برای فرد خاص استعمال شود.

در پاسخ به این اشکال گفته‌اند: «الذین امنوا» جمع است؛ امابرای تعظیم و بیان قدر و جلالت امیرمومنان علی علیه¬السلام جمع به کار رفته است.

افزون بر این، در بسیاری از آیات برای فرد خاص جمع به کار رفته. دو نمونه از این آیات عبارت است از:

الف) مفسران در ذیل آیه «وآخرون اعترفوا بذنبهم خلطوا عملاصالحا و آخر سیئا عسی ان یتوب علیهم»؛ و گروهی دیگر به گناهان خود اعتراف کردند و کار خوب و بد را به هم آمیختند، امید می‌رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد. گفته‌اند: آیه مزبور با آن که جمع است. فقط درباره ابولبابه انصاری نازل شده است.

ب) در آیه «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم‌فزادهم ایمانا؛ آنها که مردم به آنان گفتند مردم برای «حمله‌به» شما اجتماع کرده‌اند، از آنها بترسید. پس بر ایمانشان‌افزود.»

نوشته‌اند: گوینده این سخن نعیم ابن مسعود اشجعی بود، اما آیه به صورت جمع نازل شده است.

مرحوم علامه امینی(ره) بیست آیه ذکر می کند که در آنها لفظ جمع برموردی خاص دلالت دارد.

رابطه پرداخت زکات وتوجه تام امام علی علیه¬السلام در نماز گروهی نیز گفته‌اند: یکی از مقامات علی علیه¬السلام این است که وقت نماز چنان به ذات باری تعالی توجه داشت که هیچ چیز نمی‌توانست او را به خود مشغول سازد و حتی تیر از پای مبارکش بیرون آوردند. در این صورت چگونه ممکن است‌به خواست سائل توجه کند و در حال رکوع انگشتر به او دهد؟!

بعضی پاسخ داده‌اند: شنیدن صدای سائل و به کمک او پرداختن توجه به خویشتن نیست بلکه عین توجه به خدا است؛ علی علیه¬السلام در حال نماز از خود بیگانه بود نه از خدا؛ به عبارت دیگر، آنچه با روح عبادت سازگار نیست، توجه به مسائل مربوط به زندگی مادی و شخصی است و توجه به آنچه در مسیر رضای خدا است کاملاً با روح عبادت سازگار است. معنای غرق شدن در توجه به خدا این نیست که انسان بی اختیار احساس خود را از دست بدهد، بلکه با اراده خویش توجه خدا را از آنچه در راه خدا و برای خدا نیست بر می گیرد.

پاسخ دیگر این است که حالات حضرت به حسب نافله و نماز واجب فرق می کرد. در نماز واجب استغراق و حضور و خشوع چنان بود که از همه چیز جز عظمت الهی غافل می‌شد: اما در نماز نافله پرواز روحی‌اش این اوج و معراج را در همه حالات آن نداشته است؛ و ممکن‌است حضرت در حال نماز نافله صدقه به سائل بخشیده است.

شان نزول و کیفیت نقل آن نیز بر درستی این مساله گواهی‌می‌دهد؛ زیرا نمازهای واجب به امامت رسول گرامی اسلام خوانده می‌شد و این مجال برای سائل پدید نمی‌آمد که تقاضایش را در حال نماز مطرح کند.

سومین پاسخ که مطلب را بیشتر روشن می کند در مطالعه و مشاهده حالات اولیای الهی نهفته است. آنان در سیر و سلوک روحی و میقات‌الهی خویش گاه چنان بی¬تاب و محو جمال ربوبی می‌شدند که از همه آنچه در اطرافشان می گذشت غافل بودند.

بی خود از شعشه پرتو ذاتم کردند باده از جام تجلی صفاتم دادند برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد

در حالات حضرت یعقوب پیامبر آمده است: از او پرسیدند: چگونه از پیراهن یوسف جایگاهش را تشخیص دادی اما در چاه کنعان او راندیدی؟!

یکی پرسید: زان گم گشته فرزند که‌ای روشن ضمیر پیر خردمند ز مصرش بوی پیراهن شنیدی ولی در چاه کنعانش ندیدی.

در جواب گفت: جذبه‌ها و حالات مختلف است و بر این اساس، تجلیات و درخشش‌ها نیز متفاوت.

بگفت احوال ما برق جهان است گهی پیدا گهی در زیر خاک است.

از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمود: «لی مع‌الله وقت‌لا یسعها ملک مقرب و لا نبی مرسل».

مرا حالاتی است که هیچ فرشته مقرب الهی و پیامبر مرسلی به آن‌نرسد.

براین اساس، می‌توان گفت: آن زمان که تیر از پای مبارک علی علیه¬السلام بیرون آورده می‌شد و حضرت هیچ التفاتی به آن نداشت، به اوج این پرواز و قله متعالی فنای فی‌الله مربوط است. اما زمانی‌که به سائل توجه می‌کند، در حالی است که این پرواز و معراج روحی‌در آن اوج نیست.

البته دست ما خاکیان از سفر روحانی و درک شیوه و توجه تام‌حضرت به باری تعالی کوتاه است و آن بزرگواران چنان است که خودفرمود: «لا یرقی الی الطیر» هیچ تیز پروازی بر ستیغ و بلندای دانش و معنویت من دست نمی‌یابد.

مبالغه در قیمت انگشتر

انفاق انگشتر به وسیله امیرموؤمنان علیه¬السلام با حقایق تاریخی که‌در منابع اسلامی فریقین وارد شده است. اثبات می‌شود. البته دراین میان پیرایه‌هایی است که باید آن را از واقعیت این رخداد جدا ساخت. از آن جمله مبالغه‌هایی است که در قیمت انگشتر شده‌است. گروهی بهای آن را معادل خراج و مالیات شام ذکر کرده‌اند.

این قیمت به دلایل زیر نمی‌تواند اساس درستی داشته باشد.

۱- مستند این تخمین ضعیف است و در روایات معتبر و صحیحی که در شان نزول ذکر شده، اثری از آن دیده نمی‌شود.

۲- مطالعه در حالات و زندگی حضرت بیانگر آن است که حضرت از اموال نفیس و گرانبها استفاده نمی‌کرد. آنچه در روایات مورد اتفاق و معتبر آمده این است که «و کان یتختم بها»؛ حضرت‌همواره از این انگشتر استفاده می‌کرد. بی تردید اگر انگشتر از نظر ارزش در سطح بالایی بود، حضرت به صورت مستمر از آن استفاده نمی‌کرد آن هم با موقعیت طاقت فرسای مسلمین در مدینه. این سخنان در قیمت انگشتر در ملاک ارزش بودن جاذبه‌های مادی ریشه دارد.

آنچه در این فضلیت، شخصیت امام علی علیه¬السلام را آشکار می‌سازد، اخلاص و ایثار در راه خداست نه ارزش مادی انگشتر.

این روح عبودیت است‌که کار نیک را به سوی خدا رهنمون می‌کند و موجب نزول آیات حق‌می گردد.

در این زمینه، آیات دیگری نیز مورد استناد امام هادی علیه¬السلام قرارگرفته است. (۴)

متن زیارت غدیریه

متن زیارت غدیریه

«السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ، وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِکَ کُلِّهِ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، وَ مَلَائِکَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ مَوْلَایَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَمِينَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ، وَ سَفِيرَهُ فِی خَلْقِهِ، وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا النَّبَأُ الْعَظِيمُ، الَّذِی هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَ عَنْهُ يُسْأَلُونَ، السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِکُونَ، وَ صَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُکَذِّبُونَ، وَ جَاهَدْتَ وَ هُمْ مُحْجِمُونَ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ، صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّى أَتَاکَ الْيَقِينُ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا سَیِّدَ الْمُسْلِمِینَ، وَ یَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِینَ، وَ إِمَامَ الْمُتَّقِینَ، وَ قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّکَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِیُّهُ، وَ وَارِثُ عِلْمِهِ، وَ أَمِینُهُ عَلَی شَرْعِهِ، وَ خَلِیفَتُهُ فِی أُمَّتِهِ، وَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَ صَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَی نَبِیِّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِیکَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَ أَوْجَبَ عَلَی أُمَّتِهِ فَرْضَ وَلَایَتِکَ، وَ عَقَدَ عَلَیْهِمُ الْبَیْعَةَ لَکَ، وَ جَعَلَکَ أَوْلَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ کَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ کَذَلِکَ.

ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهَ تَعَالَی عَلَیْهِمْ فَقَالَ: أَ لَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَی، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ وَ کَفَی بِکَ شَهِیداً، وَ حَاکِماً بَیْنَ الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ جَاحِدَ وَلَایَتِکَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ، وَ نَاکِثَ عَهْدِکَ بَعْدَ الْمِیثَاقِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ أَوْفَیْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَی وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَی مُوفٍ بِعَهْدِهِ لَکَ، «وَ مَنْ أَوْفی بِما عاهَدَ عَلَیْهُ اللّهَ فَسَیُؤْتِیهِ أَجْراً عَظِیماً» وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ الْحَقُّ، الَّذِی نَطَقَ بِوَلَایَتِکَ التَّنْزِیلُ، وَ أَخَذَ لَکَ الْعَهْدَ عَلَی الْأُمَّةِ بِذَلِکَ الرَّسُولُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ وَ عَمَّکَ وَ أَخَاکَ، الَّذِینَ تَاجَرْتُمُ اللَّهَ بِنُفُوسِکُمْ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِیکُمْ: «إِنَّ اللّهَ اشْتَری مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللّهِ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَیْهِ حَقًّا فِی التَّوْراةِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفی بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بایَعْتُمْ بِهِ وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ التّائِبُونَ الْعابِدُونَ الْحامِدُونَ السّائِحُونَ الرّاکِعُونَ السّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النّاهُونَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ الْحافِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ» أَشْهَدُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَنَّ الشَّاکَّ فِیکَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِینِ، وَ أَنَّ الْعَادِلَ بِکَ غَیْرَکَ عَادِلٌ عَنِ الدِّینِ الْقَوِیمِ، الَّذِی ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِینَ، فَأَکْمَلَهُ بِوَلَایَتِکَ یَوْمَ الْغَدِیرِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ الْمَعْنِیُّ بِقَوْلِ الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ: «وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ»، ضَلَّ وَ اللَّهِ وَ أَضَلَّ مَنِ اتَّبَعَ سِوَاکَ، وَ عَنَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاکَ.

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِکَ، وَ أَطَعْنَا وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَکَ الْمُسْتَقِیمَ، فَاهْدِنَا رَبَّنَا، وَ لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ الْهُدَی عَنْ طَاعَتِکَ، وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاکِرِینَ لِأَنْعُمِکَ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَی مُخَالِفاً، وَ لِلتُّقَی مُحَالِفاً، وَ عَلَی کَظْمِ الْغَیْظِ قَادِراً، وَ عَنِ النَّاسِ عَافِیاً، وَ إِذَا عُصِیَ اللَّهُ سَاخِطاً، وَ إِذَا أُطِیعَ اللَّهُ رَاضِیاً، وَ بِمَا عَهِدَ اللَّهُ إِلَیْکَ عَامِلًا، رَاعِیاً مَا اسْتُحْفِظْتَ، حَافِظاً مَا اسْتُودِعْتَ، مُبَلِّغاً مَا حُمِّلْتَ، مُنْتَظِراً مَا وُعِدْتَ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ مَا اتَّقَیْتَ ضَارِعاً، وَ لَا أَمْسَکْتَ عَنْ حَقِّکَ جَازِعاً، وَ لَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ عَاصِیکَ نَاکِلًا، وَ لَا أَظْهَرْتَ الرِّضَا بِخِلَافِ مَا یَرْضَی اللَّهُ مُدَاهِناً، وَ لَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَکَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ، وَ لَا ضَعُفْتَ وَ لَا اسْتَکَنْتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّکَ مُرَاقِباً.

مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَکُونَ کَذَلِکَ، بَلْ إِذْ ظُلِمْتَ فَاحْتَسَبْتَ رَبَّکَ، وَ فَوَّضْتَ إِلَیْهِ أَمْرَکَ، وَ ذَکَّرْتَ فَمَا ذَکَرُوا، وَ وَعَظْتَ فَمَا اتَّعَظُوا، وَ خَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا یَخَافُوا.

وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ جَاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّی دَعَاکَ اللَّهُ إِلَی جِوَارِهِ، وَ قَبَضَکَ إِلَیْهِ بِاخْتِیَارِهِ، وَ أَلْزَمَ أَعْدَاءَکَ الْحُجَّةَ، بِقَتْلِهِمْ إِیَّاکَ، لِتَکُونَ لَکَ الْحُجَّةُ عَلَیْهِمْ، مَعَ مَا لَکَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِهِ.

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً، وَ جَاهَدْتَ فِی اللَّهِ صَابِراً، وَ جُدْتَ بِنَفْسِکَ صَابِراً مُحْتَسِباً، وَ عَمِلْتَ بِکِتَابِهِ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِیِّهِ، وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَ آتَیْتَ الزَّکَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ مَا اسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِیاً مَرْضَاةَ مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِباً فِیمَا وَعَدَ اللَّهُ.

لَا تَحْفِلُ بِالنَّوَائِبِ، وَ لَا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ، وَ لَا تُحْجِمُ عَنْ مُحَارِبٍ، أَفِکَ مَنْ نَسَبَ غَیْرَ ذَلِکَ وَ افْتَرَی بَاطِلًا عَلَیْکَ، وَ أَوْلَی لِمَنْ عَنَدَ عَنْکَ.

لَقَدْ جَاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ، وَ صَبَرْتَ عَلَی الْأَذَی صَبْرَ احْتِسَابٍ، وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَ صَلَّی لَهُ، وَ جَاهَدَ، وَ أَبْدَی صَفْحَتَهُ فِی دَارِ الشِّرْکِ، وَ الْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً، وَ الشَّیْطَانُ یُعْبَدُ جَهْرَةً.

وَ أَنْتَ الْقَائِلُ: لَا تَزِیدُنِی کَثْرَةُ النَّاسِ حَوْلِی عِزَّةً، وَ لَا تَفَرُّقُهُمْ عَنِّی وَحْشَةً، وَ لَوْ أَسْلَمَنِی النَّاسُ جَمِیعاً لَمْ أَکُنْ مُتَضَرِّعاً، اعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَ، وَ آثَرْتَ الْآخِرَةَ عَلَی الْأُولَی فَزَهِدْتَ، وَ أَیَّدَکَ اللَّهُ وَ هَدَاکَ، وَ أَخْلَصَکَ وَ اجْتَبَاکَ.

فَمَا تَنَاقَضَتْ أَفْعَالُکَ، وَ لَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُکَ، وَ لَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُکَ، وَ لَا ادَّعَیْتَ وَ لَا افْتَرَیْتَ عَلَی اللَّهِ کَذِباً، وَ لَا شَرِهْتَ إِلَی الْحُطَامِ، وَ لَا دَنَّسَکَ الْآثَامُ، وَ لَمْ تَزَلْ عَلَی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّکَ وَ یَقِینٍ مِنْ أَمْرِکَ، تَهْدِی إِلَی الْحَقِّ وَ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ.

أَشْهَدُ شَهَادَهَ حَقٍّ، وَ أُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ أَنَّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ، وَ أَنَّکَ مَوْلَایَ وَ مَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ، وَ أَنَّکَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَلِیُّهُ وَ أَخُو الرَّسُولِ، وَ وَصِیُّهُ وَ وَارِثُهُ، وَ أَنَّهُ الْقَائِلُ لَکَ:

وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِی مَنْ کَفَرَ بِکَ، وَ لَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَکَ.

وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْکَ، وَ لَمْ یَهْتَدِ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی وَ لَا إِلَیَّ مَنْ لَا یُهْدَی بِکَ، وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّی عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ إِنِّی لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی» إِلَی وَلَایَتِکَ.

مَوْلَایَ فَضْلُکَ لَا یَخْفَی، وَ نُورُکَ لَا یُطْفَی، وَ إِنَّ مَنْ جَحَدَکَ الظَّلُومُ الْأَشْقَی، مَوْلَایَ أَنْتَ الْحُجَّهُ عَلَی الْعِبَادِ، وَ الْهَادِی إِلَی الرَّشَادِ، وَ الْعُدَّهُ لِلْمَعَادِ.

مَوْلَایَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِی الْأُولَی مَنْزِلَتَکَ، وَ أَعْلَی فِی الْآخِرَهِ دَرَجَتَکَ، وَ بَصَّرَکَ مَا عَمِیَ عَلَی مَنْ خَالَفَکَ، وَ حَالَ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَکَ.

فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّی الْحُرْمَهِ مِنْکَ وَ ذَائِدَ الْحَقِّ عَنْکَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ، الَّذِینَ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النّارُ، وَ هُمْ فِیها کالِحُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ مَا أَقْدَمْتَ، وَ لَا أَحْجَمْتَ، وَ لَا نَطَقْتَ، وَ لَا أَمْسَکْتَ إِلَّا بِأَمْرٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، قُلْتَ: وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَنَظَرَ إِلَیَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، أَضْرِبُ قُدَّامَهُ بِسَیْفِی فَقَالَ: یَا عَلِیُّ أَنْتَ عِنْدِی بِمَنْزِلَهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَی إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِیَّ بَعْدِی، وَ أُعْلِمُکَ أَنَّ مَوْتَکَ وَ حَیَاتَکَ مَعِی وَ عَلَی سُنَّتِی، فَوَ اللَّهِ مَا کَذَبْتُ وَ لَا کُذِبْتُ، وَ لَا ضَلَلْتُ وَ لَا ضُلَّ بِی، وَ لَا نَسِیتُ مَا عَهِدَ إِلَیَّ رَبِّی، وَ إِنِّی لَعَلَی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّی، بَیَّنَهَا لِنَبِیِّهِ، وَ بَیَّنَهَا النَّبِیُّ لِی، وَ إِنِّی لَعَلَی الطَّرِیقِ الْوَاضِحِ، أَلْفِظُهُ لَفْظاً، صَدَقْتَ وَ اللَّهِ وَ قُلْتَ الْحَقَّ.

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاکَ بِمَنْ نَاوَاکَ، وَ اللَّهُ جَلَّ ذِکْرُهُ یَقُولُ: «هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ»، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِکَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَلَایَتَکَ.

وَ أَنْتَ وَلِیُّ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ، وَ الذَّابُّ عَنْ دِینِهِ، وَ الَّذِی نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِیلِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَی: «وَ فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدِینَ عَلَی الْقاعِدِینَ أَجْراً عَظِیماً دَرَجاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَهً وَ رَحْمَهً وَ کانَ اللّهُ غَفُوراً رَحِیماً» وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی:

«أَ جَعَلْتُمْ سِقایَهَ الْحاجِّ وَ عِمارَهَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ جاهَدَ فِی سَبِیلِ اللّهِ لا یَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّهِ وَ اللّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظّالِمِینَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَهً عِنْدَ اللّهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَهٍ مِنْهُ وَ رِضْوانٍ وَ جَنّاتٍ لَهُمْ فِیها نَعِیمٌ مُقِیمٌ خالِدِینَ فِیها أَبَداً إِنَّ اللّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِیمٌ» أَشْهَدُ أَنَّکَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَهِ اللَّهِ، الْمُخْلِصُ لِطَاعَهِ اللَّهِ، لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَی بَدَلًا وَ لَمْ تُشْرِکْ بِعِبَادَهِ رَبِّکَ أَحَداً، وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَی اسْتَجَابَ لِنَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِیکَ دَعْوَتَهُ.

ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاکَ لِأُمَّتِهِ، إِعْلَاءً لِشَأْنِکَ، وَ إِعْلَاناً لِبُرْهَانِکَ، وَ دَحْضاً لِلْأَبَاطِیلِ، وَ قَطْعاً لِلْمَعَاذِیرِ، فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَهِ الْفَاسِقِینَ، وَ اتَّقَی فِیکَ الْمُنَافِقِینَ، أَوْحَی اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ» فَوَضَعَ عَلَی نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِیرِ، وَ نَهَضَ فِی رَمْضَاءِ الْهَجِیرِ، فَخَطَبَ فَأَسْمَعَ، وَ نَادَی فَأَبْلَغَ، ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعَ، فَقَالَ: هَلْ بَلَّغْتُ؟ فَقَالُوا:

اللَّهُمَّ بَلَی، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ، ثُمَّ قَالَ أَ لَسْتُ أَوْلَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ فَقَالُوا: بَلَی، فَأَخَذَ بِیَدِکَ، وَ قَالَ: مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِیٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِیکَ عَلَی نَبِیِّهِ إِلَّا قَلِیلٌ، وَ لَا زَادَ أَکْثَرَهُمْ إِلَّا تَخْسِیراً، وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَی فِیکَ مِنْ قَبْلُ وَ هُمْ کَارِهُونَ:

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ دِینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِی اللّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّهٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَعِزَّهٍ عَلَی الْکافِرِینَ یُجاهِدُونَ

فِی سَبِیلِ اللّهِ وَ لا یَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذٰلِکَ فَضْلُ اللّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ، وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْغالِبُونَ» رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِینَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهّابُ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِکَ، فَالْعَنْ مَنْ عَارَضَهُ وَ اسْتَکْبَرَ وَ کَذَّبَ بِهِ وَ کَفَرَ، وَ سَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ، وَ سَیِّدَ الْوَصِیِّینَ، وَ أَوَّلَ الْعَابِدِینَ، وَ أَزْهَدَ الزَّاهِدِینَ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِیَّاتُهُ.

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلیٰ حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً لِوَجْهِ اللَّهِ، لَا تُرِیدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَ لا شُکُوراً، وَ فِیکَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَی: «وَ یُؤْثِرُونَ عَلیٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» وَ أَنْتَ الْکَاظِمُ لِلْغَیْظِ، وَ الْعَافِی عَنِ النَّاسِ، وَ اللّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ*، وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ، وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِیَّةِ، وَ الْعَادِلُ فِی الرَّعِیَّةِ، وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِیعِ الْبَرِیَّةِ.

وَ اللَّهُ تَعَالَی أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاکَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: «أَ فَمَنْ کانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کانَ فاسِقاً لا یَسْتَوُونَ أَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنّاتُ الْمَأْویٰ نُزُلًا بِما کانُوا یَعْمَلُونَ» وَ أَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِیلِ وَ حُکْمِ التَّأْوِیلِ، وَ نَصْرِ الرَّسُولِ، وَ لَکَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُورَةُ، وَ الْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ وَ الْأَیَّامُ الْمَذْکُورَةُ، یَوْمَ بَدْرٍ وَ یَوْمَ الْأَحْزَابِ:

«إِذْ زاغَتِ الْأَبْصارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللّهِ الظُّنُونَا هُنالِکَ ابْتُلِیَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زِلْزالًا شَدِیداً وَ إِذْ یَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنَا اللّهُ وَ رَسُولُهُ إِلّا غُرُوراً وَ إِذْ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ یا أَهْلَ یَثْرِبَ لا مُقامَ لَکُمْ فَارْجِعُوا وَ یَسْتَأْذِنُ فَرِیقٌ مِنْهُمُ النَّبِیَّ یَقُولُونَ إِنَّ بُیُوتَنا عَوْرَةٌ وَ ما هِیَ بِعَوْرَةٍ إِنْ یُرِیدُونَ إِلّا فِراراً وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی: وَ لَمّا رَأَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ قالُوا هٰذا ما وَعَدَنَا اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلّا إِیماناً وَ تَسْلِیماً فَقَتَلْتَ عَمْرَوهُمْ وَ هَزَمْتَ جَمْعَهُمْ، وَ رَدَّ اللّهُ الَّذِینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنالُوا خَیْراً وَ کَفَی اللّهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتالَ وَ کانَ اللّهُ قَوِیًّا عَزِیزاً وَ یَوْمَ أُحُدٍ: إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لا تَلْوُونَ عَلیٰ أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ یَدْعُوکُمْ فِی أُخْراکُمْ»، وَ أَنْتَ تَذُودُ بِهِمُ الْمُشْرِکِینَ عَنِ النَّبِیِّ ذَاتَ الْیَمِینِ وَ ذَاتَ الشِّمَالِ، حَتَّی صَرَفَهُمَا عَنْکُمُ الْخَائِفِینَ، وَ نَصَرَ بِکَ الْخَاذِلِینَ.

وَ یَوْمَ حُنَیْنٍ عَلَی مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِیلُ: «إِذْ أَعْجَبَتْکُمْ کَثْرَتُکُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْکُمْ شَیْئاً وَ ضاقَتْ عَلَیْکُمُ الْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّیْتُمْ مُدْبِرِینَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللّهُ سَکِینَتَهُ عَلیٰ رَسُولِهِ وَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ» وَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَ مَنْ یَلِیکَ، وَ عَمُّکَ الْعَبَّاسُ یُنَادِی الْمُنْهَزِمِینَ: یَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، یَا أَهْلَ بَیْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّی اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ کَفَیْتَهُمُ الْمُؤْنَةَ، وَ تَکَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمَعُونَةَ.

فَعَادُوا آیِسِینَ مِنَ الْمَثُوبَةِ، رَاجِینَ وَعْدَ اللَّهِ تَعَالَی بِالتَّوْبَةِ، وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ جَلَّ ذِکْرُهُ: «ثُمَّ یَتُوبُ اللّهُ مِنْ بَعْدِ ذٰلِکَ عَلیٰ مَنْ یَشاءُ»، وَ أَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِیمِ الْأَجْرِ.

وَ یَوْمَ خَیْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِینَ، وَ قَطَعَ دَابِرَ الْکَافِرِینَ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ*: «وَ لَقَدْ کانُوا عاهَدُوا اللّهَ مِنْ قَبْلُ لا یُوَلُّونَ الْأَدْبارَ، وَ کانَ عَهْدُ اللّهِ مَسْؤُلًا» مَوْلَایَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، وَ الْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ، وَ النِّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَ الْبُرْهَانُ الْمُنِیرُ، فَهَنِیئاً لَکَ مَا آتَاکَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَ تَبّاً لِشَانِئِکَ ذی الْجَهْلِ.

شَهِدْتَ مَعَ النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ جَمِیعَ حُرُوبِهِ وَ مَغَازِیهِ، تَحْمِلُ الرَّایَةَ أَمَامَهُ، وَ تَضْرِبُ بِالسَّیْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِکَ الْمَشْهُورِ، وَ بَصِیرَتِکَ بِمَا فِی الْأُمُورِ، أَمَّرَکَ فِی الْمَوَاطِنِ، وَ لَمْ یَکُ عَلَیْکَ أَمِیرٌ، وَ کَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّکَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِکَ فِیهِ الْتُّقَی، وَ اتَّبَعَ غَیْرُکَ فِی نَیْلِهِ الْهَوَی، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّکَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَیْهِ انْتَهَی، ضَلَّ وَ اللَّهِ الظَّانُّ لِذَلِکَ وَ مَا اهْتَدَی.

وَ لَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْکَلَ مِنْ ذَلِکَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَ امْتَرَی بِقَوْلِکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ: قَدْ یَرَی الْحُوَّلُ الْقُلَّبُ وَجْهَ الْحِیلَةِ، وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَی اللَّهِ، فَیَدَعُهَا رَأْیَ الْعَیْنِ، وَ یَنْتَهِزُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا جَرِیحَةَ لَهُ فِی الدِّینِ، صَدَقْتَ وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ.

وَ إِذْ مَاکَرَکَ النَّاکِثَانِ فَقَالا: نُرِیدُ الْعُمْرَةَ، فَقُلْتَ لَهُمَا: لَعَمْرِی لَمَا تُرِیدَانِ الْعُمْرَةَ لَکِنِ الْغَدْرَةَ، وَ أَخَذْتَ الْبَیْعَةَ عَلَیْهِمَا، وَ جَدَّدْتَ الْمِیثَاقَ فَجَدَّا فِی النِّفَاقِ، فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَی فِعْلِهِمَا أَغْفَلَا وَ عَادَا، وَ مَا انْتَفَعَا، وَ کَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْراً.

ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسِرْتَ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْإِعْذَارِ، وَ هُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ وَ لَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رَعَاعٌ ضَالُّونَ، وَ بِالَّذِی أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ، وَ لِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ.

وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَ نَدَبَ إِلَى نَصْرِكَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» مَوْلَایَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَ قَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَ أَوْضَحْتَ السُّنَنَ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمْسِ، وَ لَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ، وَ لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ، وَ عَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ، جَاحِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بَاطِلًا، وَ يَحْكُمُ جَائِراً، وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِباً، وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ.

وَ عَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَ يُنَادِی بَيْنَ الصَّفَّيْنِ: الرَّوَاحَ الرَّوَاحَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ لَمَّا اسْتَسْقَى، فَسُقِيَ اللَّبَنَ كَبَّرَ وَ قَالَ: قَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضَيَاحٌ مِنْ لَبَنٍ وَ تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَةُ، فَاعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ.

فَعَلَى أَبِی الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، وَ عَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَ سَلَلْتَ عَلَيْهِ سَيْفَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى مَنْ رَضِیَ بِمَا سَاءَكَ وَ لَمْ يَكْرَهْهُ، وَ أَغْمَضَ عَيْنَهُ وَ لَمْ يُنْكِرْهُ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ، أَوْ جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْخَطْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، غَصْبُ الصِّدِّيقَةِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدَكاً، وَ رَدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدَيْنِ سُلَالَتِكَ وَ عِتْرَةِ أَخِيكَ الْمُصْطَفَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَ قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ، وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ: «إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ» فَاسْتَثْنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَ أَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَمَا أَعْمَهَ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ، ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِی الْقُرْبَى مَكْراً، أَوْ حَادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ جَوْراً.

فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَى مَا أَجْرَيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ، فَأَشْبَهَتْ مِحْنَتُكَ بِهِمَا مِحَنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ الْأَنْصَارِ، وَ أَشْبَهْتَ فِی الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ، وَ أَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِراً مُحْتَسِباً، إِذْ قَالَ لَهُ:

«يا بُنَيَّ إِنِّی أَرى فِی الْمَنامِ أَنِّی أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ ما ذا تَرى قالَ يا أَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِی إِنْ شاءَ اللَّهُ مِنَ الصّابِرِينَ» وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمَا، وَ أَمَرَكَ أَنْ تَضْطَجِعَ فِی مَرْقَدِهِ، وَاقِياً لَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعْتَ إِلَى إِجَابَتِهِ مُطِيعاً، وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوَطِّناً، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَ أَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: «وَ مِنَ النّاسِ مَنْ يَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ» ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ، وَ قَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيلَةً وَ مَكْراً، فَأَعْرَضَ الشَّكُّ، وَ عُرِفَ الْحَقُّ وَ اتُّبِعَ الظَّنُّ، أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ إِذْ أَمَّرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَ هَارُونُ يُنَادِيهِمْ:

«يا قَوْمِ إِنَّما فُتِنْتُمْ بِهِ وَ إِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمنُ فَاتَّبِعُونِی وَ أَطِيعُوا أَمْرِی قالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عاكِفِينَ حَتّى يَرْجِعَ إِلَيْنا مُوسى» وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَ خُدِعْتُمْ، فَعَصَوْكَ وَ خَالَفُوا عَلَيْكَ، وَ اسْتَدْعَوْا نَصْبَ الْحَكَمَيْنِ، فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ، وَ تَبَرَّأْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ فَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ.

فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَ سَفِهَ الْمُنْكَرُ، وَ اعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَ الْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَ أَلْزَمُوكَ عَلَى سَفَهِ التَّحْكِيمِ الَّذِی أَبَيْتَهُ، وَ أَحَبُّوهُ وَ حَظَرْتَهُ، وَ أَبَاحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِی اقْتَرَفُوهُ وَ أَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَ هُدًى، وَ هُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَ عَمًى، فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصِرِّينَ، وَ فِی الْغَیِّ مُتَرَدِّدِينَ، حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ، فَشَقِيَ وَ هَوَى، وَ أَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهَدَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً وَ رَائِحَةً، وَ عَاكِفَةً وَ ذَاهِبَةً، فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصْفَكَ، وَ لَا يُحْبِطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ.

أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً، وَ أَذَبُّهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهْدِكَ، وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ، تُخْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِبَنَانِكَ، وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبَهِ بِبَيَانِكَ، وَ تَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِی اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ.

وَ فِی مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَی لَکَ غِنًی عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِینَ وَ تَقْرِیظِ الْوَاصِفِینَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَی: «مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدِیلًا» وَ لَمَّا رَأَیْتَ قَدْ قَتَلْتَ النَّاکِثِینَ وَ الْقَاسِطِینَ وَ الْمَارِقِینَ، وَ صَدَّقَکَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَعْدَهُ، فَأَوْفَیْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ: أَمَا آنَ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ، أَمْ مَتَی یُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَاثِقاً بِأَنَّکَ عَلَی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّکَ وَ بَصِیرَةٍ مِنْ أَمْرِکَ، قَادِماً عَلَی اللَّهِ، مُسْتَبْشِراً بِبَیْعِکَ الَّذِی بَایَعْتَهُ بِهِ، وَ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ.

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَنْبِیَائِکَ وَ أَوْصِیَاءِ أَنْبِیَائِکَ بِجَمِیعِ لَعَنَاتِکَ، وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِکَ، وَ الْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلِیَّکَ حَقَّهُ، وَ أَنْکَرَ عَهْدَهُ، وَ جَحَدَهُ بَعْدَ الْیَقِینِ، وَ الْإِقْرَارِ بِالْوَلَایَةِ لَهُ یَوْمَ أَکْمَلْتَ لَهُ الدِّینَ.

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ مَنْ ظَلَمَهُ، وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِی الْحُسَیْنِ وَ قَاتِلِیهِ وَ الْمُتَابِعِینَ عَدُوَّهُ وَ نَاصِرِیهِ، وَ الرَّاضِینَ بِقَتْلِهِ وَ خَاذِلِیهِ، لَعْناً وَبِیلًا.

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَانِعِیهِمْ حُقُوقَهُمْ، اللَّهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ ظَالِمٍ وَ غَاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَ کُلَّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ، وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّکِینَ، وَ بِمُوَالاتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِینَ الْآمِنِینَ، الَّذِینَ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا یَحْزَنُونَ، إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.» .(۵)

ترجمه متن زیارت غدیریه

ترجمه ی متن زیارت:

مجلسی رحمه الله از شیخ مفید نقل می کند که گفت:

امام حسن عسکری علیه‌السلام این زیارت را از پدر بزرگوارش امام هادی علیه‌السلام نقل می کند، و می‌فرماید: در روز غدیر سالی که معتصم او را احضار کرد، با این زیارت، امیرمؤمنان علیه‌السلام را زیارت فرمود.

پس چون خواستی زیارت کنی، بر آستانه‌ی حرم بایست، و اذن ورود بخواه، و با پای راست داخل شو، و برو تا روبروی ضریح و پشت به قبله بایستی، و بگو:

سلام بر محمد پیامبر خدا خاتم پیامبران، و سرور رسولان، و برگزیده‌ی پروردگار عالمیان، امین خدا بر وحیش، و واجبات امورش، و پایان بخش آنچه پیش بود، و گشاینده‌ی آنچه می‌آید، و چیره و مسلط بر همه‌ی آن‌ها، و رحمت و برکات و صلوات و تحیات خدا [بر او باد]، سلام بر پیامبران و رسولان خدا، و بر فرشتگان مقرب، و بندگان صالح او.

سلام بر تو ای امیرمؤمنان! و سرور اوصیا، و وارث علم پیامبران، و ولی پروردگار عالمیان، و مولای من، و مولای همه‌ی مؤمنان! و رحمت و برکات خدا [بر تو باد].

سلام بر تو ای مولای من! ای امیرمؤمنان! ای امین خدا در زمین، و سفیر خدا در میان مردم، و حجت بالغه‌ی خدا بر بندگانش! سلام بر تو ای آئین استوار، و صراط مستقیم خدا! سلام بر تو ای خبر بزرگی که در آن [مردم] با هم اختلاف دارند، و از او می‌پرسند! سلام بر تو ای امیرمؤمنان! تو به خدا ایمان آوردی در حالی که آنان مشرک بودند، و حق را تصدیق کردی در حالی که آنان تکذیب کردند، و جهاد کردی در حالی که آنان از ترس پشت کردند، و خدا را با اخلاص دینت برای او، و بردبارانه و برای رضای او عبادت کردی تا یقین برایت رسید، هان که لعنت خدا بر ستمگران باد.

سلام بر تو ای آقای مسلمانان، و پیشوای مؤمنان، و امام پارسایان، و رهبر روسفیدان! و رحمت و برکات خدا [بر تو باد].

شهادت می‌دهم که تو برادر، و وصی رسول خدا، و وارث علم او، و امین او بر شریعتش، و خلیفه‌ی او در امتش هستی، و اولین کسی هستی که به خدا ایمان آورد، و آنچه را بر پیامبرش فرستاد تصدیق کرد، و شهادت می‌دهم که پیامبر، از جانب خدا آنچه را

درباره‌ی تو نازل کرد رساند، و امر خدا را آشکارا اعلام کرد، و طاعت و ولایت تو را بر امت خود واجب کرد، و از ایشان برای تو پیمان گرفت، و تو را نسبت به مؤمنان، از خودشان سزاوارتر قرار داد، چنان که خدا خود او را نسبت به مؤمنان سزاوارتر قرار داده بود، سپس خدای سبحان را بر ایشان گواه گرفت، و فرمود: آیا پیام خدا را نرساندم؟ گفتند: خدایا! چرا [رساندی].

و گفت: خدایا! گواه باش، و تو برای گواهی، و داوری میان بندگان بس هستی، پس خدا لعنت کند آنانی را که پس از اقرار به ولایت، آن را انکار کردند، و پس از پیمان با تو، آن را شکستند، و شهادت می‌دهم که تو به پیمان با خدای سبحان وفا کردی، و خدای سبحان نیز به پیمان با تو وفا کرد، «و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد»، و شهادت می‌دهم که تو آن امیرمؤمنان به حقی که قرآن، به ولایت تصریح دارد، و پیامبر برای آن، از امتش پیمان گرفته است.

و شهادت می‌دهم که تو، عمو، و برادرت، کسانی هستید که با خدا، با جان خود معامله کردید، و خدا در شأن شما نازل کرد: «حقا که خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به بهای بهشت خریده است، همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند، و می‌کشند و کشته می‌شوند، این به عنوان وعده‌ی حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده‌ی اوست، و چه کسی از خدا بر عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است، [آن مؤمنان،] همان توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاسگزاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند، و پاسداران مقررات خدایند، و مؤمنان را بشارت ده».

شهادت می‌دهم - ای امیرمؤمنان - که شک کننده‌ی درباره‌ی تو، به پیامبر امین، ایمان نیاورد، و روگردان از تو به غیر تو، از دین استوار خدا - که پروردگار عالمیان برای ما پسندید، و در غدیر با ولایت تو کامل کرد - جدا گشت، و شهادت می‌دهم که تویی مقصود از فرموده‌ی خدای عزیز رحیم که [فرمود]: «و این است راه راست من، پس، از آن پیروی کنید، و از راههای دیگر که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید»،

سوگند به خدا! گمراه شده، و گمراه کرد هر که جز تو را پیروی کرد، و از حق جدا شد هر که با تو دشمنی کرد.

خدایا! فرمان تو را شنیدیم و اطاعت کردیم، و از راه راست تو پیروی نمودیم، پس ما را هدایت فرما.

پروردگارا! پس از آن که ما را به طاعتت هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و ما را از سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار ده.

و شهادت می‌دهم که تو پیوسته، مخالف هوای نفس، هم پیمان [و ملازم] تقوی، توانای بر فرو بردن خشم، و بخشنده و خطاپوش مردم بوده‌ای، و چون خدا را معصیت کردند خشم گرفتی، و چون اطاعتش کردند خرسند شدی، و به آنچه با تو قرار بستند عمل کردی، و به آنچه از تو حفظش را خواستند نگهدار بودی، و آنچه را در نزدت به امانت سپردند نگهبانی کردی، و تکلیفی را که بر دوشت نهادند، [به مقصد] رساندی، و وعده‌ای را که به تو دادند انتظار کشیدی.

و شهادت می‌دهم که تقوای تو از روی ذلت و ناتوانی نبود [، بلکه برای اطاعت خدا بود]، و خودداری از ستاندن حقت، از روی بی‌قراری [در برابر ناگواری‌ها] نبود، و دست کشیدن از درگیری با عاصی [و نافرمان]ات، از روی ترس نبود، و در برابر آنچه خدا نمی‌پسندد، از روی سازشکاری، ابراز رضایت نکردی، و برای آن مصائبی که در راه خدا به تو رسید، سست نشدی، و از روی انتظار [و توقع منافع دنیوی]، از طلب حق خود، ناتوان و زبون نشدی، پناه بر خدا که چنین باشی! بلکه چون ظلم دیدی، به حساب پروردگارت گذاشتی، و کار خود را به او سپردی، و به آنان یادآوری کردی، و نپذیرفتند، و اندرز دادی، و پند نگرفتند، و از خدا ترساندی، و نترسیدند.

و شهادت می‌دهم که تو - ای امیرمؤمنان! - خالصانه خدا را پرستش کردی، و بردبارانه در راه او به جهاد پرداختی و برای رضای او

جان خود را به خطر انـداختی، و به کتاب خدا و سـنت پیامبرش عمل کردی، و نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی، و تا توانستی به کارهـای پسـندیده واداشتی، و از کارهـای ناپسـند بازداشتی، این در حالی بود که مقام عنـدالله را خواسـتار، و به وعـده‌های خـدا مشـتاق بودی، به پیشامدهای ناگوار روزگار اهمیت نمی‌دادی، و در سختی‌ها سست نمی‌شدی، و از [تعقیب و کیفر] محارب، دست نمی‌کشیدی، دروغ گفت آن که غیر این‌ها را به تو نسبت داد، و افترای باطل بر تو بست، و وای بر آن که از تو جـدا شـد و به راه دیگری رفت، حقا که تو حق جهاد در راه خدا را انجام دادی، و برای خدا در برابر آزارها صبر کردی، و تو نخستین کسی هستی که به خدا ایمان آورد، و برایش نماز گزارد، و جهاد کرد، و در دیار شـرک، سینه سپر کرد، در حالی که زمین لبریز از گمراهی بود، و شیطـان، آشـکارا پرسـتش می‌شـد. و تویی که می‌گفتی: فراوانی جمعیت اطرافم، بر عزتم نمی‌افزایـد، و بیم و هراس، ایشان را از من جـدا نمی‌سازد، و اگر همه‌ی مردم دست از من بردارنـد، زبونی و زاری نخواهم کرد، [آری] خـدا را داشتی و عزیز شدی، و آخرت را بر دنیا برگزیـدی و [از علائق] رهیـدی، و خـدا تو را تأییـد، و هـدایت، و خالص کرد، و برگزید، از این رو کارهایت، متناقض، و سخنانت، ناهمگون، و احوالت دگرگون نبود، و ادعای دروغ نکردی، و دروغ بر خـدا نبستی، و به دنیای فانی آزمند نشدی، و دامن به گناهان نیالودی، و پیوسته با [برهان و آیت و] حجتی از پروردگارت، و یقین در کارت، به حق، و راه راست هدایت کردی.

از روی حق شـهادت می‌دهم، و صادقـانه به خـدا سوگنـد یاد می‌کنم که محمـد و آلش - که صـلوات خـدا بر ایشان باد - سـروران همه‌ی خلق‌اند، و تو مولای من، و مولای مؤمنانی، و تو بنده و ولی خدا، و برادر و وصـیی و وارث رسول خدایی، و پیامبر در حق تو فرمود: سوگنـد به خـدایی که مرا به حق برانگیخت، هر که به تو کفر ورزد به من ایمـان نیـاورده، و هر که تو را انکار کنـد، به خـدا اقرار نکرده، و هر که از تو باز دارد، گمراه شده، و هر که به تو ره نیابد، به خدا، و به من ره نیافته است، و این است فرموده‌ی خدای سبحان که: «و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس [- به ولایت تو -] ره یابد، می‌آمرزم».

مولای من! برتری تو پنهان نمی‌مانـد، و نور تو خاموش نمی‌شود، و هر که تو را انکار کند، بسـیار سـتم پیشه و بدبخت است. مولای من! تو بر بندگان خدا حجتی، و به راه رشد و کمال، هدایتگری، و برای معاد ذخیره‌ای. مولای من! خدا در دنیا، رفعت منزلت، و در آخرت، علو درجه عطـایت فرمود، و آنچه را که بر مخالفـان، و بر جـدایی افکنـان میـان تو و مواهب خداونـدیت پنهـان مانـد، بر تو نمایاند، خدا حرمت شکنان و باز دارندگان حقت را لعنت کند.

و شهادت می‌دهم که ایشان آن زیانکارترینند که آتش چهره‌ی آن‌ها را می‌سوزاند در حالی که در آنجا ترشرویند.

و شـهادت می‌دهم که تو به انجام هیچ کاری شـتاب نگرفتی، و باز نایسـتادی، و هیچ سـخنی را نگفتی و دست از آن نکشـیدی مگر آن که به فرمـان خـدا و پیامبرش بود، فرمودی: سوگنـد به خـدایی که جانم در دست اوست! رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به من نگریست که پیشاپیش همه شمشیر می‌زنم [یا از دیرباز برای اسلام شمشیر می‌زنم]، فرمود: علی جان! منزلت تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی است جز اینکه پس از من، پیامبری نیست.

و به تو اعلام فرمود که: مرگ و زنـدگی تو با من، و بر سـنت من است. [و فرمودی:] سوگند به خدا! دروغ نمی‌گویم و به من دروغ نگفته‌انـد، گمراه نشـدم و گمراهم نکرده‌اند، و پیمان خدا با خود را فراموش نکرده‌ام، من از خدای خود حجتی دارم که آن را برای پیامبرش بیان کرد، و پیامبر نیز برای من بیان کرد، و من بر راه روشنم، که به حق این را می‌گویم.

سوگند به خدا راست فرمودی، و حق گفتی، خدا لعنت کند کسـی را که تو را با دشـمنت یکسان شمرد، در حالی که خدای سبحان می‌فرمایـد: «آیا آنان که می‌داننـد با آنان که نمی‌دانند برابرند»؟ خدا لعنت کند کسـی را که تو را همسـنگ کسـی قرار داد که خدا ولایـت تو را بر او واجب فرمود، تو ولی خـدا، و برادر رسول خـدا، و حامی دین خـدا، و کسـی هستی که قرآن در فضـیلتش سـخن می‌گویـد، خـدای سـبحان فرمود: «خـدا مجاهدان را بر خانه نشـینان، با پاداشـی بزرگ برتری بخشـیده است، [پاداش بزرگی که] به عنوان درجات [مهمی] از ناحیه خداونـد، و آمرزش و رحمت [نصـیب آنان می‌شود]، و خـدا آمرزنـده‌ی مهربان است»، و نیز فرمود:

«آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند؟ [این دو] نزد خدا یکسان نیستند، و خدا مردم ستمگر را هدایت نخواهد کرد، کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند، پروردگارشان آنان را از جانب خود به رحمت و خشنودی و باغ‌هایی [در بهشت] که در آن‌ها نعمت‌هایی پایدار دارند، مژده می‌دهد، جاودانه در آن‌ها خواهند بود، حقا که نزد خدا پاداشی بزرگ است».

شهادت می‌دهم که تو مدح ویژه‌ی خدا داری، خالصانه خدا را اطاعت کردی، هیچ جایگزینی را در برابر هدایتش نخواستی، و هیچ کسی را در عبادت پروردگارت، شریک نساختی، و خدا دعای پیامبرش را درباره‌ی تو اجابت کرد، سپس فرمانش داد تا ولایتی را که به تو داد برای امتش آشکار نماید، تا تو را عالی مقام، و حجتت را آشکار، و اباطیل [پوچ گویان] را نابود، و بهانه‌ها را قطع کند، پس چون از فتنه‌ی فاسقان، بیمناک شد، و برای تو از [کید] منافقان ترسید، پروردگار عالمیان به او وحی فرمود: «ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن، و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای، و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد»، پس بارهای گران این راه [مخوف] را بر [دوش] خود نهاد، و در گرمای سخت هنگام ظهر [دشت غدیر] برخاست، و خطبه خواند و [همه را] شنواند، و ندا کرد و [پیام تو را به همه] رساند، سپس از همه پرسید: آیا [پیام خدا را] رساندم؟ گفتند: خدا گواه است آری. و پیامبر گفت: خدایا! شاهد باش.

سپس فرمود: آیا من از خود مؤمنان، به ایشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری. پس دست تو را گرفت و فرمود: هر که را من مولایم، این علی مولای اوست، خدایا! هر که با او دوستی کند دوستش باش، و هر که با او دشمنی کند دشمنش باش، و هر که او را یاری کند یاریش کن، و هر که او را رها کند رهایش کن.

پس به آنچه خدا درباره‌ی تو به پیامبرش نازل کرد، جز عده‌ی کمی ایمان نیاوردند، و بیشتر ایشان را جز زیان نیفزود، و با اینکه آنان خوش نداشتند، قبلاـ نیز خدای سبحان در شأن تو نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد، و آنان نیز او را دوست می‌دارند، اینان با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران، سرافرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند، این فضل خداست و آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست، ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند، و در حال رکوع زکات می‌دهند، و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بداند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروزمندانند».

«پروردگارا! به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم، و پیامبرت را پیروی کردیم، پس ما را از زمره‌ی شاهدان بنویس» و «پروردگارا! پس از آن که ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری».

خدایا! ما می‌دانیم که این، همان حق از جانب توست، پس هر که را با آن بستیزد، و کبر ورزد، و تکذیب و ناسپاسی کند، لعنت کن، «و آنان که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت».

سلام بر تو ای امیرمؤمنان! و سرور اوصیاء! و اول عابدان! و زاهدترین زاهدان! و رحمت و برکات و صلوات و تحیات خدا [بر تو باد].

تویی که برای رضای خدا، طعام را - با اینکه مورد [نیاز و] علاقه‌ات بود - به مسکین و یتیم و اسیر خوراندی، و از ایشان هیچ پاداش و سپاسی را نخواستی، و خدا در شأن تو نازل فرمود: «آن‌ها را بر خودشان مقدم می‌دارند، هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد، و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند».

و تو فروبرنده‌ی خشم، و بخشنده‌ی مردمی، و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد، و تو در سختی و زیان، و به هنگام جنگ بردباری، و تو [اموال خدا را] برابر تقسیم می کنی، و در میان مردم، عادلانه رفتار می کنی، و از همه‌ی مردم به حدود [و قوانین] خدا داناتری، و خدای سبحان از فضیلتی که به تو بخشیده با این فرموده‌ی خود خبر داده است که: «آیا کسی که مؤمن است چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند، اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند در باغ‌هایی که در آن جایگزین می‌شوند، پذیرایی می گردند».

و تنها تو بودی که علوم قرآن، و احکام تأویل آن، و نص پیامبر را [در منزلت خود]، داشتی، و مواقف مشهود، و مقامات مشهور، و روزهای یاد شده [ی در قرآن] از آن توست [، همچون] روز بدر، و روز احزاب: «آنگاه که چشم‌ها خیره شد، و جان‌ها به گلوگاه‌ها رسید، و به خدا گمان‌هایی [نابجا] می‌بردید، آنجا بود که مؤمنان در آزمایش قرار گرفتند، و سخت تکان خوردند، و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است می گفتند: خدا و پیامبرش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند، و چون گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! دیگر شما را جای درنگ نیست، برگردید، و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند و می گفتند: خانه‌های ما بی‌حفاظ است، ولی خانه‌هایشان بی‌حفاظ نبود، آنان جز گریز از جهاد چیزی نمی‌خواستند».

و خدای سبحان فرمود: و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند، و خدا و پیامبرش راست گفتند، و جز بر ایمان و فرمانبری ایشان نیفزود».

پس عمرو [بن عبدود] را کشتی، و جمعشان را شکست دادی: «و خداوند آنان را که کفر ورزیدند، بی آن که به [مال و] خیری رسیده باشند، با غیظ [و حسرت] برگرداند، و خدا زحمت جنگ را از مؤمنان برداشت، و خداوند همواره نیرومند شکست ناپذیر است».

و [همچون] روز احد: هنگامی که [یاران پیامبر] در حال گریز، [از کوه] بالا می‌رفتند، و به هیچ کس توجه نمی کردند، و پیامبر، ایشان را از پشت سرشان فرامی‌خواند، و تو از جانب راست و چپ، انبوه [۱] مشرکان را از پیامبر دور می کردی، تا خدا [شر] ایشان را – در حالی که [از دلاوری تو] به هراس افتاده بودند – از پیامبر و تو برگرداند، و به وسیله‌ی تو آنان را که پیامبر را تنها گذارده بودند نیز یاری کرد.

و [همچون] روز حنین: که طبق فرموده‌ی قرآن: «آن هنگام که شمار زیادتان شما را به شگفت آورده بود، ولی به هیچ وجه از شما دفع خطر نکرد، و زمین با همه‌ی فراخی بر شما تنگ گردید، سپس در حالی که پشت به دشمن کرده بودید برگشتید، سپس خدا آرامش خود را بر پیامبر خود، و بر مؤمنان فرود آورد».

و [مقصود از] مؤمنان، تو و نزدیکان تو است، و عمویت عباس شکست خوردگان را ندا می کرد: ای اصحاب سوره‌ی بقره! ای اهل بیعت شجره! [برگردید]، تا اینکه مردمی برگشتند که تو زحمت جنگ را از آنان برداشته بودی، و بدون ایشان یاری دین خدا را در اختیار گرفته بودی، آری [آن شکست خوردگان و فراریان]، ناامید از پاداش الهی،

و امیدوار به وعده‌ی توبه [پذیری] خدای سبحان برگشتند، و این همان فرموده‌ی خدای سبحان است که: «سپس خدا بعد از این واقعه، توبه‌ی هر که را بخواهد می‌پذیرد»، در حالی که تو [با پایداری و دلاوری خود]، به مقام [بلند] صابران دست یافته، و پاداش بزرگی را به دست آورده بودی.

و [همچون] روز خیبر: روزی که خدا ناتوانی منافقان را آشکار، و ریشه‌ی کافران را برکند، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است: «با آن که قبلا با خدا سخت پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند، و پیمان خدا همواره بازخواست دارد».

مولای من! تو حجت بالغه، و راه روشن، و نعمت سرشار، و برهان فروزان خداوندی، گوارایت باد این فضیلتی که خدایت بخشیده، و نابود باد دشمن نادان تو، تو در تمام جنگ‌ها و غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشتی، پیشاپیش پیامبر پرچم [اسلام] را

به دوش می گرفتی، و در جلو روی او شمشیر می‌زدی، سپس به خاطر دوراندیشی پرآوازه، و بصیرت [و مهارت] تو در کارها، همه جا تو را امیر می کرد، و کسی بر تو امیر نبود، چه بسا کاری که [می‌توانستی انجام دهی، و] تقوای تو، از آن بازت داشت، ولی دیگری از هوای نفس خود پیروی کرد و آن را انجام داد، و نادانان پنداشتند که تو از آن عاجز بوده‌ای، سوگند به خدا! آن که اینگونه پندارد گمراه و ره نیافته است، و تو خود - که صلوات خدا بر تو باد - همه‌ی شبهات متوهمان و شک کنندگان را با این گفتار خود توضیح داده‌ای که: بصیر و کار آزموده، [ی راه خدا] راه چاره [و سیاست در این امور] را می‌داند، ولی در پیش روی خود مانعی از تقوای الهی دارد، از اینرو آن راه چاره را با اینکه می‌داند رها می کند، و کسی که در دینداری بی‌باک [و لا ابالی] است، فرصت را غنیمت می‌شمرد [، و آن را مرتکب می‌شود].

راست فرمودی، و باطل گویان زیان دیدند.

و چون آن دو پیمان شکن [طلحه و زبیر]، مکرت ورزیدند، و گفتند: می‌خواهیم به عمره برویم، به ایشان فرمودی: قطعا قصد عمره ندارید، بلکه قصد پیمان شکنی دارید پس بیعت از ایشان گرفتی، و باز پیمانشان بستی، و آنان در نفاق خود کوشیدند، و چون بر کار ناشایستشان، توجه دادی، غفلت ورزیدند، و [به کار ناشایست خود] برگشتند، و سود نبردند، و سرانجام کارشان زیان شد. پس از ایشان، شامیان شورش کردند، و تو پس از اتمام حجت، به سوی [نبرد ایشان] به راه افتادی، آنان به دین حق پایبند نبودند، و در [آیات] قرآن تدبر نمی‌کردند، گول [۲] و فرومایه و گمراه بودند، و به خدایی که در شأن تو آیه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد، کافر، و مخالفان تو را یاور بودند، با اینکه خدای سبحان به پیروی تو فرمان داده بود، و مؤمنان را به یاری تو فرا خوانده بود، و فرموده بود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای خدا پیشه کنید، و با راستگویان باشید».

مولای من! حق را که مردم کنار گذاشتید تو آشکار کردی، و سنت‌های الهی را پس از فرسودگی و محو شدن، تو نمایان ساختی، طبق تصدیق قرآن، پیشتازی در جهاد [با کافران زمان پیامبر صلی الله علیه و آله]، از آن تو بود و طبق تأویل حقیقی قرآن فضیلت جهاد [با کافران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله] برای تو بود، و دشمن تو، دشمن خدا، و منکر رسول خداست، که به باطل دعوت می‌کرد، و ظالمانه حکم می‌راند، و غاصبانه فرمانروایی می‌کرد، و دار و دسته‌ی خود را به آتش فرا می‌خواند، و عمار [در رکاب تو] جهاد می‌کرد، و در میان دو صف فریاد می‌زد: با آسودگی و شادمانی [پیش] به سوی بهشت! و چون آب خواست، و شیر به او دادند، تکبیر گفت، و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: آخرین نوشیدنی تو از دنیا آب آمیخته به شیر است، و گروه سرکش و ستمگر، تو را می‌کشند، پس ابوالعادیه فزاری [، از دار و دسته‌ی معاویه]، راه را بر او بست، و او را کشت، تا روز قیامت، لعنت خدا و فرشتگان و همه‌ی پیامبرانش، بر ابوالعادیه باد، و نیز بر هر مشرک و منافقی که شمشیر بر تو کشید، و تو بر او شمشیر کشیدی ای امیرمؤمنان!

و نیز بر هر که بر آنچه تو را می‌آزرد خرسند بود و چشم خود را فرو بست، و رد نکرد، یا با دست و زبان خود به زیان تو قدم برداشت، و از یاری تو باز ایستاد، و از جهاد در رکاب تو دست کشید، یا پاس فضل تو را نداشت، و حقت را [با اینکه می‌شناخت] انکار کرد، یا تو را با کسی برابر شمرد که خدا تو را نسبت به او شایسته‌تر از خود او قرار داد، و صلوات و رحمت و برکات و سلام و تحیات خدا بر تو، و بر امامان از خاندان پاکت باد، که او ستوده‌ی بزرگوار است.

و واقعه‌ی عجیب‌تر، و رخداد زشت‌تر پس از انکار آگاهانه‌ی حق تو، غصب فدک صدیقه‌ی طاهره، [فاطمه‌ی] زهرا، سرور بانوان عالم، و قبول نداشتن شهادت تو، و شهادت آن دو بزرگوار، و فرزندان تو و پیامبر صلی الله علیه و آله [، امام حسن علیه‌السلام، و امام حسین علیه‌السلام] است! با اینکه خدای سبحان، مقام شما را در امت، عالی، و منزلت شما را بالا، و فضل شما را آشکار فرمود، و بر همه‌ی عالمیان، شریفتان کرد، و پلیدی شرک را از شما زدود، و پاکی ویژه‌ای به شما بخشید، خدای سبحان می‌فرماید: «به راستی که انسان، سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است، چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند، و چون خیری به او رسد بخل

ورزد، غیر از نمازگزاران»، و ای سرور اوصیاء! خدای سبحان، در میان همه‌ی مردم، تنها پیامبر مصطفی صلی الله علیه و آله، و تو را استثنا فرمود، پس چه سرگردان [و بازمانده] از حق است هر که به تو ستم کرد! سپس بخشی از سهم ذوی القربی را به تو می‌دهند تا [مردم را] بفریبند، یا آن را از اهلش باز می‌دارند تا ستم کنند.

و چون کار، در اختیار شما قرار گرفت، همان را که شده بود تنفیذشان کردی، زیرا به فدک و سهم ذوی القربی بی‌میل بودی، و به آنچه نزد خدا داشتی مشتاق، از اینرو آزمون تو با آن‌ها، همچون آزمون پیامبران، در هنگام غربت و بی‌کسی، بود و در شب که بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابیدی همچون اسماعیل ذبیح، بودی، که همچون او اجابت کردی، و همچون او بردبارانه و برای رضای خدا اطاعت کردی، ابراهیم به [فرزند خود] اسماعیل گفت: «من در خواب، چنین می‌بینم که تو را سر می‌برم، پس ببین چه به نظرت می‌آید؟ گفت: پدر جان! آنچه را مأموری انجام ده، ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت» و تو نیز چنین بودی، چون پیامبر صلی الله علیه و آله از تو خواست بیتوته کنی، و فرمود تا برایش جانبازی کنی و در بسترش بخوابی، بی‌درنگ اجابت کردی، و برای کشته شدن آماده شدی، خدای سبحان نیز فرمانبری تو را سپاس گفت، و از این فداکاری زیبای تو با فرموده‌ی خود پرده برداشت که: «و از میان مردم، کسی است که جان خود را برای به دست آوردن خشنودی خدا می‌فروشد».

و آزمون تو در نبرد صفین - که قرآن‌ها از روی حیله و مکر، بر نیزه‌ها رفت، و شک پدیدار گشت، و حق شناخته شد، و [باز] از گمان پیروی شد - همچون آزمون هارون بود، آن زمان که موسی او را بر قوم خود امیر کرد، و مردم از دور او پراکنده شدند، و هارون ایشان را ندا می‌کرد و می‌گفت: «ای قوم من! شما به وسیله‌ی این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید، و پروردگار شما خدای رحمان است، پس مرا پیروی کنید، و فرمان مرا پذیرا باشید، گفتند، ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد». و تو نیز چنین بودی، چون قرآن‌ها را بر نیزه‌ها کردند گفتی: ای قوم من! شما به وسیله‌ی این‌ها مورد آزمایش، و فریب قرار گرفته‌اید، ولی آنان سرپیچی کرده، با تو به مخالفت پرداختند، و از تو نصب حکمین خواستند، و تو نپذیرفتی، و از کار ایشان به خدا پناه بردی، و [سرانجام،] آن را به ایشان واگذار کردی، پس زمانی که حق، نمودار، و بطلان منکر، آشکار شد، و به لغزش‌ها، و انحراف از عدل، اعتراف کردند، باز اختلاف کردند، و تو را بر نادرستی [و نپذیرفتن] حکمیتی که تو نمی‌خواستی و ایشان می‌خواستند، و تو باز داشتی، و ایشان روا شمردند و مرتکب شدند، ملزم ساختند، با اینکه تو بر راه بصیرت و هدایت بودی، و ایشان بر راه‌های گمراهی و نادانی، آری پیوسته بر نفاق خود اصرار ورزیدند، و در گمراهی خود سرگردان بودند تا خدا کیفرشان را به ایشان چشاند، و با شمشیر تو معاندان بدبخت و فرومایه‌ی تو را می‌راند، و با حجت تو [دوستان] سعادتمند و ره‌یافته [ی تو] را زنده کرد، صلوات خدا - بامداد و شامگاه، ایستاده و رونده - بر تو باد، که در وصف هیچ ستایشگری نگنجی، و نکوهش نکوهشگران، فضیلتت را از میان نبرد، تو در عبادت، بهترین مردم، و در زهد، خالص‌ترین آنان، و در دفاع از دین، پایدارترین ایشان بودی، با تلاش خود حدود خدا را بپا داشتی، و با شمشیر خود، سپاه بیرون شدگان از دین را به شکست و گریز کشاندی، [آری] با سرانگشتان [مردانه‌ی] خود، زبانه‌های سوزان جنگ‌ها را خاموش می‌کردی، و با بیان [شیوا و مستدل] خود، پرده‌های شک و ابهام را می‌دریدی، حق ناب را از باطل فریبا آشکار می‌ساختی، و ملامت ملامتگران، از راه خدا بازت نمی‌داشت. و مدح خدای سبحان، تو را از مدح مادحان، و ستایش ستایشگران بی‌نیاز می‌کند که فرمود: «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند، و برخی از آن‌ها در [همین] انتظارند، و [هرگز عقیده‌ی توحیدی خود را] تبدیل نکردند».

و چون دیدی که با ناکثان و قاسطان و مارقان جنگیدی، و وعده‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله عملی شد، و به پیمان خود وفا کردی، گفتی: آیا وقت آن نرسیده که محاسنم از خون سرم خضاب شود؟ یا چه زمانی شقی‌ترینشان برانگیخته می‌شود؟ [این را در حالی گفتی که] مطمئن بودی از جانب پروردگارت حجت داری، و در کار خود با بصیرتی، نزد خدا می‌روی، و از معامله‌ای که با

خدا کرده‌ای شادمانی، و این است آن رستگاری بزرگ.

خدایا! قاتلان پیامبران و اوصیای پیامبرانت را با همه‌ی لعن‌هایت لعن کن، و حرارت آتشت را به ایشان بچشان، و کسی را که حق ولیت را غصب، و خلافت او را رد، و پس از یقین و اقرار به ولایتش در غدیر، انکارش کرد لعنت کن.

خدایا! قاتلان امیرمؤمنان، و ستمگران به او، و پیروان و یارانشان را لعنت کن.

خدایا! ظلم کنندگان به [امام] حسین علیه‌السلام، و قاتلانش را، و پیروان و یاوران دشمنش را، و خرسندان به قتل، و تنها گذارندگانش را به لعنتی سخت گرفتار ساز.

خدایا! اولین ظالمی را که به آل محمد صلی الله علیه و آله ظلم کرد، و ایشان را از حقشان بازداشت لعنت کن.

خدایا! اولین ظالم و غاصب به آل محمد صلی الله علیه و آله را، و نیز هر که را که به روش او عمل کرد، تا قیام قیامت به لعن ویژه‌ی خود گرفتار ساز.

خدایا! بر محمد و آل محمد، خاتم پیامبران، و بر سرور اوصیاء و خاندان پاکش درود فرست، و ما را از چنگ زنندگان به [دامن] ایشان، و با ولایت ایشان، از رستگاران در امانی قرار ده که هیچ خوف و حزنی ندارند.

زیارت غدیریه دیگر

زیارت غدیریه دیگر از لسان امام هادی علیه¬السلام:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الصَّادِقِ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ ع قَالَ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا وَلِیَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُوم وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقَّهُ صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ حَتَّى أَتَاکَ الْيَقِينُ فَأَشْهَدُ أَنَّکَ لَقِيتَ اللَّهَ وَ أَنْتَ شَهِيدٌ عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَکَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَ جَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ جِئْتُکَ عَارِفاً بِحَقِّکَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِکَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِکَ وَ مَنْ ظَلَمَکَ أَلْقَى عَلَى ذَلِکَ رَبِّی إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَا وَلِیَّ اللَّهِ إِنَّ لِی ذُنُوباً کَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِی إِلَى رَبِّکَ فَإِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَحْمُوداً مَعْلُوماً وَ إِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهاً وَ شَفَاعَةً وَ قَدْ قَالَ تَعَالَى- وَ لا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضى).

ثم قال الکلینی: روی محمد بن جعفر الرازی [الرزاز]، عن محمد بن عیسی بن عبید، عن بعض أصحابنا، عن أبی‌الحسن الثالث علیه‌السلام مثله.(۶)

ترجمه متن زیارت دیگر

ترجمه متن زیارت دیگر غدیریه:

کلینی با سند خود از امام هادی علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:

[در زیارت امیرمؤمنان علیه‌السلام] می‌گویی: سلام بر تو ای ولی خدا! تو اولین مظلوم، و اولین کسی هستی که حقش غصب شد، صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی تا یقینت فرا رسد، و شهادت می‌دهم که تو در حالی که شهید بودی خدا را ملاقات کردی، خدا قاتل تو را به انواع کیفرها کیفر دهد، و عذابش را تجدید کند، به زیارت تو آمدم در حالی که به حق تو معرفت دارم، و از منزلت تو [نزد خدا] آگاهم، و با دشمنان و ستم کنندگان به تو دشمنم، به خواست خدا با همین حال خدا را ملاقات می‌کنم.

ای ولی خدا! من گناهان بسیار دارم نزد پروردگارت شفیعم باش، زیرا تو نزد خدا مقام محمود مشخصی داری، و نیز نزد او آبرو و شفاعت داری، و خدای سبحان می‌فرماید: «و جز برای کسی که او رضایت دهد شفاعت نمی‌کنند».

پاورقی بخش دوم

(۱) – زیارت غدیریه، ترجمه و تحقیق: محمد حسن شفیعی شاهرودی.

(۲) – نام گروهی از روایان اهل سنت این‌شان نزول چنین است: طبری؛ تفسیرطبری، ج۶، ص۱۶۵؛ واحدی؛ اسباب النزول، ص۱۴۸؛ فخررازی؛ تفسیر فخررازی، ج۳، ص۴۳۱؛ ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمه، ص۱۲۳؛ ابواسحاق ثعلبی؛ تفسیر ثعلبی، ج۲، ص۵۲؛ گنجی شافعی؛ الکفایه، ص۱۰۶؛ خوارزمی؛ مناقب، ص۱۷۸؛ ابن حجر؛ الصواعق، ص۲۵.

(۳) – شرح المقاصد ج۲، ص۲۸۸.

(۴)– امام هادی علیه¬السلام و جلوه های غدیر، عباس کوثری

(۵)– المزار الکبیر (للمشهدی)، ص ۲۶۴– ۲۸۲. مشهدی، حائری، محمد بن جعفر، المزار الکبیر (للمشهدی)، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم – ایران، اول، ۱۴۱۹ ه ق.

(۶)– کافی/ ج۴/ ص۵۶۹

بخش سوم: منشور امامت در زیارت جامعه کبیره امام هادی علیه¬السلام

اشاره

شناخت و معرفت به ائمه اطهار علیهم¬السلام ، وظیفه هر فرد با ایمان و مقدمه‌ای بر تبعیت و قبول ولایت آنان است که در پی آن، اکمال دین و اتمام نعمت الهی را به همراه دارد.

چنین معرفتی مطمئنا شناخت ظاهری و شناسنامه‌ای نیست، بلکه شناختی عمیق از آن گران‌مایه‌گان است. شناختی که به انسان درس دین‌داری و دین‌باوری می‌دهد و او را با معارف دین و خاستگاه‌های دینی آشنا می‌گرداند و چنین آشنایی با خاندان وحی، فقط با تدبر در آیات قرآن و احادیث به واسطه معرفی خودشان حاصل می‌گردد.

آنان خود باید خود را به ما معرفی نمایند تا ما خاکیان بر ماهیت آن افلاکیان، شناختی هر چند گذرا و اجمالی یابیم و سپس باید معارف دین را به ما بچشانند تا به مطالب دینمان آگاه شویم.

زیارت جامعه کبیره، در حقیقت علاوه بر اعلام سلام و درود بر ائمه طاهرین علیهم¬السلام ، شناختنامه آنان است که در قالب زیارت و دیدار ایشان، به تمجید و معرفی آن یگانگان در عالم امکان، پرداخته است.

زیارت‌هایی که از ائمه معصومین علیهم¬السلام به ما رسیده، گاهی زیارت خاص برای امام خاصی است (مانند زیارت اربعین و یا زیارت عاشورا) و گاه زیارت‌نامه‌ای است که می‌توان همه ائمه طاهرین علیهم¬السلام را با آن زیارت کرد و بر آنان درود فرستاد.

زیارت جامعه کبیره از همین باب است و لذا این زیارت را جامعه می‌گویند، زیرا اولاً ـ تمامی ائمه علیهم¬السلام با آن زیارت می‌شوند و ثانیاً همه کمالات ائمه اطهار علیهم¬السلام ، در این زیارت با بیانی فصیح و بلیغ از زبان امام هادی علیه¬السلام بیان شده است.

علامه محمدباقر مجلسی (ره) در کتاب گرانسنگ بحارالانوار، پس از نقل زیارت به شرح آن پرداخته و می‌گوید: «این زیارت از جهت سند صحیح‌ترین زیارت‌ها و از جهت عمومیت، عمومی‌ترین زیارت است، از جهت الفاظ فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین زیارت‌ها و از نظر شأن و رتبه، از همه زیارات بالاتر می‌باشد.» (۱)

با چنین توصیفی که حدیث‌شناس زبردستی همچون علامه مجلسی (ره) از این زیارت می‌نماید، جای هیچ شبهه‌ای پیرامون صدور این زیارت از امام معصوم باقی نمی‌ماند.

این زیارت، خلاصه‌ای از تمام احادیث و روایاتی است که در شأن و مقام ائمه طاهرین علیهم السلام وارد شده است.

تشرف سید رشتی و زیارت جامعه کبیره

تشرف سید رشتی و زیارت جامعه کبیره

در مفاتیح الجنان آمده است که: شیخ ما در کتاب نجم الثاقب (محدث نوری) حکایتی نقل کرده که از آن ظاهر می‌شود که باید به این زیارت مواظبت کرد و از آن غفلت ننمود و آن حکایت چنین است جناب مستطاب تقی صالح سید احمد بن سید هاشم بن سید حسن موسوی رشتی تاجر ساکن رشت أیده الله در هفده سال قبل تقریبا به نجف اشرف مشرف شد و با عالم ربانی و فاضل صمدانی شیخ علی رشتی طاب ثراه که در حکایت آینده مذکور خواهند شد إن شاء الله به منزل حقیر آمدند و چون برخاستند شیخ از صلاح و سداد سید مرقوم اشاره کرد و فرمود که قضیه عجیبه دارد و در آن وقت مجال بیان نبود پس از چند روزی ملاقات شد فرمود که سید رفت و قضیه را با جمله از حالات سید نقل کرد بسیار تاسف خوردم از نشنیدن آنها از خود او اگر چه مقام شیخ رحمه الله اجل از آن بود که اندکی خلاف در نقل ایشان برود و از آن سال تا چند ماه قبل این مطلب در خاطر بود تا در ماه جمادی الآخره این سال از نجف اشرف برگشته بودم در کاظمین سید صالح مذکور را ملاقات کردم که از سامره مراجعت کرده عازم عجم بود پس شرح حال او را چنانکه شنیده بودم پرسیدم از آن جمله قضیه معهوده همه را نقل کرد مطابق آن و آن قضیه چنان است که گفت در سنه هزار و دویست و هشتاد به اراده حج بیت الله الحرام از دار المرز رشت آمدم به تبریز و در خانه حاجی صفر علی تاجر تبریزی معروف منزل کردم چون قافله نبود متحیر ماندم تا آنکه حاجی جبار جلودار سدهی اصفهانی بار برداشت به جهت طرابوزن تنها از او مالی کرایه کردم و رفتم چون به منزل اول رسیدیم سه نفر دیگر به تحریص حاجی صفر علی به من ملحق شدند یکی حاجی ملا باقر تبریزی حجه فروش معروف علماء و حاجی سید حسین تاجر تبریزی و حاجی علی نامی که خدمت می‌کرد پس به اتفاق روانه شدیم تا رسیدیم به ارزنهٔ الروم و از آنجا عازم طربوزن و در یکی از منازل ما بین این دو شهر حاجی جبار جلودار به نزد ما آمد و گفت این منزل که در پیش داریم مخوف است قدری زود بار کنید که به همراه قافله باشید چون در سایر منازل غالبا از عقب قافله بفاصله می‌رفتیم پس ما هم تخمینا دو ساعت و نیم یا سه به صبح مانده به اتفاق حرکت کردیم بقدر نیم یا سه ربع فرسخ از منزل خود دور شده بودیم که هوا تاریک شد و برف مشغول باریدن شد به طوری که رفقا هر کدام سر خود را پوشانیده تند راندند من نیز آنچه کردم که با آنها بروم ممکن نشد تا آنکه آنها رفتند من تنها ماندم پس از اسب پیاده شده در کنار راه نشستم و به غایت مضطرب بودم چون قریب ششصد تومان برای مخارج راه همراه داشتم بعد از تامل و تفکر بنا بر این گذاشتم که در همین موضع بمانم تا فجر طالع شود به آن منزل که از آنجا بیرون آمدیم مراجعت کنم و از آنجا چند نفر مستحفظ به همراه برداشته به قافله ملحق شوم در آن حال در مقابل خود باغی دیدم و در آن باغ باغبانی که در دست بیلی داشت که بر درختان می‌زد که برف از آنها بریزد پس پیش آمد به مقدار فاصله کمی ایستاد و فرمود تو کیستی عرض کردم رفقا رفتند و من ماندم راه را نمی‌دانم گم کرده‌ام فرمود به زبان فارسی نافله بخوان تا راه را پیدا کنی من مشغول نافله شدم بعد از فراغ از تهجد باز آمد و فرمود نرفتی گفتم و الله راه را نمی‌دانم فرمود جامعه بخوان من جامعه را حفظ نداشتم و تا کنون حفظ ندارم با آنکه مکرر به زیارت عتبات مشرف شدم پس از جای برخاستم و جامعه را بالتمام از حفظ خواندم باز نمایان شد فرمود نرفتی هستی مرا بی‌اختیار گریه گرفت گفتم هستم راه را نمی‌دانم فرمود عاشورا بخوان و عاشورا را نیز حفظ نداشتم و تا کنون ندارم پس برخاستم و مشغول زیارت عاشورا شدم از حفظ تا آنکه تمام لعن و سلام و دعای علقمه را خواندم دیدم باز آمد و فرمود نرفتی هستی گفتم نه هستم تا صبح فرمود من حال ترا به قافله می‌رسانم پس رفت و بر الاغی سوار شد و بیل خود را به دوش گرفت و فرمود به ردیف من بر الاغ سوار شو سوار شدم پس عنان اسب خود را کشیدم تمکین نکرد و حرکت ننمود فرمود جلو اسب را به من ده دادم پس بیل را به دوش چپ گذاشت و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد اسب در نهایت تمکین متابعت کرد پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود شما چرا نافله نمی‌خوانید نافله نافله نافله سه مرتبه فرمود و باز فرمود شما چرا عاشورا نمی‌خوانید عاشورا عاشورا عاشورا سه مرتبه و

بعد فرمود شما چرا جامعه نمی‌خوانید جامعه جامعه جامعه و در وقت طی مسافت به نحو استداره سیر می‌نمود یکدفعه برگشت و فرمود آن است رفقای شما که در لب نهر آبی فرود آمده مشغول وضو به جهت نماز صبح بودند پس من از الاغ پایین آمدم که سوار اسب خود شوم و نتوانستم پس آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد و مرا سوار کرد و سر اسب را به سمت رفقا برگردانید من در آن حال به خیال افتادم که این شخص کی بود که به زبان فارسی حرف می‌زد و حال آنکه زبانی جز ترکی و مذهبی غالبا جز عیسوی در آن حدود نبود و چگونه به این سرعت مرا به رفقای خود رساند پس در عقب خود نظر کردم احدی را ندیدم و از او آثاری پیدا نکردم پس به رفقای خود ملحق شدم.

تشرف علامه مجلسی (ره) و زیارت جامعه کبیره

تشرف علامه مجلسی (ره) و زیارت جامعه کبیره

بهترین زیارتی که برای واسطه¬ی قرار دادن آن ذوات مقدس بسیار مفید و مؤثر است، زیارت جامعه است. نقل شده است که علامه مجلسی (پدر)، خدمت امام زمان (ارواحنافداه) رسیدند و مداحگونه زیارت جامعه را خطاب به آن حضرت خواندند. حضرت ولی عصر(ارواحنافداه) میفرمایند بیا جلو.

مرحوم مجلسی (ره) ضمن این که متأثر از ابهت آن حضرت بوده، جلو میرود و امام عصر(ارواحنا فداه) دست عنایتی روی شانه وی میگذارند و میفرمایند: «نعم الزّیاره هذه»؛ یعنی این زیارت، خوب زیارتی است. آقای مجلسی میگوید: از جدتان امام هادی(سلام الله علیه) است؟ حضرت میفرمایند: بله.

در حقیقت این زیارت، زیارت بسیار زیبا و عجیبی است و توسّل به ائمه¬ی طاهرین علیهمالسلام در آن بسیار است. خصوصاً در آخر که میفرماید: «بِکُمْ فَتَحَ اللهُ وَ بِکُمْ یَخْتِمُ، وَ بِکُمْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ، وَ بِکُمْ یُمْسِکُ السَّمآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ اِلاَّ بِاِذْنِهِ وَ بِکُمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ وَ یَکْشِفُ الضُّرَّ»؛ عبارات دقیق و پر محتوایی به کار گرفته شده است.

خطاب به ائمه¬ی طاهرین علیهمالسلام میفرماید: عالم وجود وابسته به شما است. اگر زمین و آسمان پا برجاست به واسطهی وجود شما است، اگر حاجتی از کسی برداشته میشود و یا مهمی از کسی رفع میشود، به برکت وجود شما بزرگواران است.

این زیارت یکی از افتخارات شیعه است. انشاءالله که همه بتوانند تحت لوای ائمه هدی علیهمالسلام به منزل سعادت راه پیدا کنند.

متن زیارت جامعه کبیره

متن زیارت جامعه کبیره

ایضا شیخ صدوق در فقیه و عیون روایت کرده از موسی بن عبد الله نخعی که گفت: عرض کردم به خدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام که یا ابن رسول الله مرا تعلیم فرما زیارتی با بلاغت که کامل باشد که هرگاه خواستم زیارت کنم یکی از شما را آن را بخوانم فرمود که چون به درگاه رسیدی بایست و بگو شهادتین را یعنی بگو

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ* وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ

و با حال غسل باشی و چون داخل حرم شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه

اللَّهُ أَکْبَرُ

بگو پس اندکی راه برو به آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک یکدیگر گذار پس بایست و سی مرتبه

اللَّهُ أَکْبَرُ

بگو پس نزدیک قبر مطهر رو و چهل مرتبه

اللَّهُ أَکْبَرُ

بگو تا صد تکبیر تمام شود و شاید چنانکه مجلسی اول گفته وجه تکبیر این باشد که اکثر طباع مایلند به غلو، مبادا از عبارات امثال این زیارت به غلو افتند یا از بزرگی حق سبحانه و تعالی غافل شوند یا غیر اینها پس بگو

السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا أَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِکَةِ وَ مَهْبِطَ الْوَحْیِ وَ مَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَ خُزَّانَ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَی الْحِلْمِ وَ أُصُولَ الْکَرَمِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ وَ أَوْلِیَاءَ النِّعَمِ وَ عَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمَ الْأَخْیَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْکَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِیمَانِ وَ أُمَنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سُلَالَةَ النَّبِیِّینَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِینَ وَ عِتْرَةَ خِیَرَةِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی أَئِمَّةِ الْهُدَی وَ مَصَابِیحِ الدُّجَی وَ أَعْلَامِ التُّقَی وَ ذَوِی النُّهَی وَ أُولِی الْحِجَی وَ کَهْفِ الْوَرَی وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَی وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَی وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَی وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاکِنِ بَرَکَةِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِکْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلَةِ کِتَابِ اللَّهِ وَ أَوْصِیَاءِ نَبِیِّ اللَّهِ وَ ذُرِّیَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی الدُّعَاةِ إِلَی اللَّهِ وَ الْأَدِلَّاءِ عَلَی مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَقِرِّینَ [وَ الْمُسْتَوْفِرِینَ] فِی أَمْرِ اللَّهِ وَ التَّامِّینَ فِی مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ الْمُخْلِصِینَ فِی تَوْحِیدِ اللَّهِ وَ الْمُظْهِرِینَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْیِهِ وَ عِبَادِهِ الْمُکْرَمِینَ الَّذِینَ لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ یَعْمَلُونَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَ السَّادَةِ الْوُلَاةِ وَ الذَّادَةِ الْحُمَاةِ وَ أَهْلِ الذِّکْرِ وَ أُولِی الْأَمْرِ وَ بَقِیَّةِ اللَّهِ وَ خِیَرَتِهِ وَ حِزْبِهِ وَ عَیْبَةِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ [وَ بُرْهَانِهِ] وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ* وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ کَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِکَتُهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ* وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضَی أَرْسَلَهُ بِالْهُدَی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ* وَ أَشْهَدُ أَنَّکُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِیُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُکَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِیعُونَ لِلَّهِ الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِکَرَامَتِهِ اصْطَفَاکُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاکُمْ لِغَیْبِهِ وَ اخْتَارَکُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاکُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ أَعَزَّکُمْ بِهُدَاهُ وَ خَصَّکُمْ بِبُرْهَانِهِ وَ انْتَجَبَکُمْ لِنُورِهِ [بِنُورِهِ] وَ أَیَّدَکُمْ بِرُوحِهِ وَ رَضِیَکُمْ خُلَفَاءَ فِی أَرْضِهِ وَ حُجَجاً عَلَی بَرِیَّتِهِ وَ أَنْصَاراً لِدِینِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ خَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعاً لِحِکْمَتِهِ وَ تَرَاجِمَةً لِوَحْیِهِ وَ أَرْکَاناً لِتَوْحِیدِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَی خَلْقِهِ وَ أَعْلَاماً لِعِبَادِهِ وَ مَنَاراً فِی بِلَادِهِ وَ أَدِلَّاءَ عَلَی صِرَاطِهِ عَصَمَکُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَکُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَکُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَکُمْ تَطْهِیراً فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَ أَکْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَ مَجَّدْتُمْ کَرَمَهُ وَ أَدَمْتُمْ [أَدْمَنْتُمْ] ذِکْرَهُ وَ وَکَّدْتُمْ [ذَکَّرْتُمْ] مِیثَاقَهُ وَ أَحْکَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِی السِّرِّ وَ الْعَلَانِیَةِ وَ دَعَوْتُمْ إِلَی سَبِیلِهِ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ بَذَلْتُمْ أَنْفُسَکُمْ فِی مَرْضَاتِهِ وَ صَبَرْتُمْ عَلَی مَا أَصَابَکُمْ فِی جَنْبِهِ [حُبِّهِ] وَ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ* وَ آتَیْتُمُ الزَّکَاةَ* وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ* وَ نَهَیْتُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ* وَ جَاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتَّی أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَ بَیَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَ أَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَ نَشَرْتُمْ [وَ فَسَّرْتُمْ] شَرَائِعَ أَحْکَامِهِ وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَ صِرْتُمْ فِی ذَلِکَ مِنْهُ إِلَی الرِّضَا وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَی فَالرَّاغِبُ عَنْکُمْ مَارِقٌ وَ اللَّازِمُ لَکُمْ لَاحِقٌ وَ الْمُقَصِّرُ فِی حَقِّکُمْ زَاهِقٌ وَ الْحَقُّ مَعَکُمْ وَ فِیکُمْ وَ مِنْکُمْ وَ إِلَیْکُمْ وَ أَنْتُمْ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِیرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَکُمْ وَ إِیَابُ الْخَلْقِ إِلَیْکُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَیْکُمْ وَ فَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَکُمْ وَ آیَاتُ اللَّهِ لَدَیْکُمْ وَ عَزَائِمُهُ فِیکُمْ وَ نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَکُمْ وَ أَمْرُهُ إِلَیْکُمْ مَنْ وَالاکُمْ فَقَدْ وَالَی اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاکُمْ فَقَدْ عَادَی اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّکُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ [وَ مَنْ أَبْغَضَکُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ] وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ أَنْتُمُ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ [السَّبِیلُ الْأَعْظَمُ] وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَ الْآیَةُ الْمَخْزُونَةُ وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَی بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاکُمْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ یَأْتِکُمْ هَلَکَ إِلَی اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَیْهِ تَدُلُّونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَی سَبِیلِهِ تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْکُمُونَ سَعِدَ مَنْ وَالاکُمْ وَ هَلَکَ مَنْ عَادَاکُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَکُمْ وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَکُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّکَ بِکُمْ وَ أَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَیْکُمْ وَ سَلِمَ مَنْ صَدَّقَکُمْ وَ هُدِیَ مَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ مَنِ اتَّبَعَکُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَکُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَکُمْ کَافِرٌ وَ مَنْ حَارَبَکُمْ مُشْرِکٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَیْکُمْ فِی أَسْفَلِ دَرْکٍ مِنَ الْجَحِیمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَکُمْ فِیمَا مَضَی وَ جَارٍ لَکُمْ فِیمَا بَقِیَ وَ أَنَّ أَرْوَاحَکُمْ وَ نُورَکُمْ وَ طِینَتَکُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهُرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَکُمُ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَکُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقِینَ حَتَّی مَنَّ عَلَیْنَا بِکُمْ فَجَعَلَکُمْ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَاتَنَا [صَلَوَاتِنَا]

عَلَیْکَمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَایَتِکَمْ طِیباً لِخَلْقِنَا [لِخُلُقِنَا] وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزْکِیَةً [بَرَکَةً] لَنَا وَ کَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا فَکُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِینَ بِفَضْلِکَمْ وَ مَعْرُوفِینَ بِتَصْدِیقِنَا إِیَّاکُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِکُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُکَرَّمِینَ وَ أَعْلَی مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِینَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَ لَا یَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا یَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا یَطْمَعُ فِی إِدْرَاکِهِ طَامِعٌ حَتَّی لَا یَبْقَی مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صِدِّیقٌ وَ لَا شَهِیدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا دَنِیٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِیدٌ وَ لَا شَیْطَانٌ مَرِیدٌ وَ لَا خَلْقٌ فِیمَا بَیْنَ ذَلِکَ شَهِیدٌ إِلَّا عَرَّفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِکُمْ وَ عِظَمَ خَطَرِکُمْ وَ کِبَرَ شَأْنِکُمْ وَ تَمَامَ نُورِکُمْ وَ صِدْقَ مَقَاعِدِکُمْ وَ ثَبَاتَ مَقَامِکُمْ وَ شَرَفَ مَحَلِّکُمْ وَ مَنْزِلَتِکُمْ عِنْدَهُ وَ کَرَامَتَکُمْ عَلَیْهِ وَ خَاصَّتَکُمْ لَدَیْهِ وَ قُرْبَ مَنْزِلَتِکُمْ مِنْهُ بِأَبِی أَنْتُمْ وَ أُمِّی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ أُسْرَتِی أُشْهِدُ اللَّهَ وَ أُشْهِدُکُمْ أَنِّی مُؤْمِنٌ بِکُمْ وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ کَافِرٌ بِعَدُوِّکُمْ وَ بِمَا کَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِکُمْ وَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَکُمْ مُوَالٍ لَکُمْ وَ لِأَوْلِیَائِکُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِکُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِیعٌ لَکُمْ عَارِفٌ بِحَقِّکُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِکُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِکُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِکُمْ مُعْتَرِفٌ بِکُمْ مُؤْمِنٌ بِإِیَابِکُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِکُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِکُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِکُمْ آخِذٌ بِقَوْلِکُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِکُمْ مُسْتَجِیرٌ بِکُمْ زَائِرٌ لَکُمْ لَائِذٌ عَائِذٌ بِقُبُورِکُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِکُمْ وَ مُتَقَرِّبٌ بِکُمْ إِلَیْهِ وَ مُقَدِّمُکُمْ أَمَامَ طَلِبَتِی وَ حَوَائِجِی وَ إِرَادَتِی فِی کُلِّ أَحْوَالِی وَ أُمُورِی مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَ عَلَانِیَتِکُمْ وَ شَاهِدِکُمْ وَ غَائِبِکُمْ وَ أَوَّلِکُمْ وَ آخِرِکُمْ وَ مُفَوِّضٌ فِی ذَلِکَ کُلِّهِ إِلَیْکُمْ وَ مُسَلِّمٌ فِیهِ مَعَکُمْ وَ قَلْبِی لَکُمْ مُسَلِّمٌ وَ رَأْیِی لَکُمْ تَبَعٌ وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّی یُحْیِیَ اللَّهُ تَعَالَی دِینَهُ بِکُمْ وَ یَرُدَّکُمْ فِی أَیَّامِهِ وَ یُظْهِرَکُمْ لِعَدْلِهِ وَ یُمَکِّنَکُمْ فِی أَرْضِهِ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لَا مَعَ غَیْرِکُمْ [عَدُوِّکُمْ] آمَنْتُ بِکُمْ وَ تَوَلَّیْتُ آخِرَکُمْ بِمَا تَوَلَّیْتُ بِهِ أَوَّلَکُمْ وَ بَرِئْتُ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَعْدَائِکُمْ وَ مِنَ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّیَاطِینِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِینَ لَکُمْ [وَ] الْجَاحِدِینَ لِحَقِّکُمْ وَ الْمَارِقِینَ مِنْ وِلَایَتِکُمْ وَ الْغَاصِبِینَ لِإِرْثِکُمْ [وَ] الشَّاکِّینَ فِیکُمْ [وَ] الْمُنْحَرِفِینَ عَنْکُمْ وَ مِنْ کُلِّ وَلِیجَةٍ دُونَکُمْ وَ کُلِّ مُطَاعٍ سِوَاکُمْ وَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِینَ یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ فَثَبَّتَنِیَ اللَّهُ أَبَداً مَا حَیِیتُ عَلَی مُوَالاتِکُمْ وَ مَحَبَّتِکُمْ وَ دِینِکُمْ وَ وَفَّقَنِی لِطَاعَتِکُمْ وَ رَزَقَنِی شَفَاعَتَکُمْ وَ جَعَلَنِی مِنْ خِیَارِ مَوَالِیکُمُ التَّابِعِینَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَیْهِ وَ جَعَلَنِی مِمَّنْ یَقْتَصُّ آثَارَکُمْ وَ یَسْلُکُ سَبِیلَکُمْ وَ یَهْتَدِی بِهُدَاکُمْ وَ یُحْشَرُ فِی زُمْرَتِکُمْ وَ یَکِرُّ فِی رَجْعَتِکُمْ وَ یُمَلَّکُ فِی دَوْلَتِکُمْ وَ یُشَرَّفُ فِی عَافِیَتِکُمْ وَ یُمَکَّنُ فِی أَیَّامِکُمْ وَ تَقَرُّ عَیْنُهُ غَداً بِرُؤْیَتِکُمْ بِأَبِی أَنْتُمْ وَ أُمِّی وَ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِکُمْ وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْکُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِکُمْ مَوَالِیَّ لَا أُحْصِی ثَنَاءَکُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ کُنْهَکُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَکُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْیَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِکُمْ یَخْتِمُ [اللَّهُ] وَ بِکُمْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ* وَ بِکُمْ یُمْسِکُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِکُمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ وَ یَکْشِفُ الضُّرَّ وَ عِنْدَکُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِکَتُهُ وَ إِلَی جَدِّکُمْ

و اگر زیارت امیر المؤمنین علیه السلام باشد بجای و «إلی جدکم» بگو:

وَ إِلَی أَخِیکَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِینُ آتَاکُمُ اللَّهُ مَا لَمْ یُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِینَ طَأْطَأَ کُلُّ شَرِیفٍ لِشَرَفِکُمْ وَ بَخَعَ کُلُّ مُتَکَبِّرٍ لِطَاعَتِکُمْ وَ خَضَعَ کُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِکُمْ وَ ذَلَّ کُلُّ شَیْءٍ لَکُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِکُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَایَتِکُمْ بِکُمْ یُسْلَکُ إِلَی الرِّضْوَانِ وَ عَلَی مَنْ جَحَدَ وِلَایَتَکُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ بِأَبِی أَنْتُمْ وَ أُمِّی وَ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی ذِکْرُکُمْ فِی الذَّاکِرِینَ وَ أَسْمَاؤُکُمْ فِی الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُکُمْ فِی الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُکُمْ فِی الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُکُمْ فِی النُّفُوسِ وَ آثَارُکُمْ فِی الْآثَارِ وَ قُبُورُکُمْ فِی الْقُبُورِ فَمَا أَحْلَی أَسْمَاءَکُمْ وَ أَکْرَمَ أَنْفُسَکُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَکُمْ وَ أَجَلَّ خَطَرَکُمْ وَ أَوْفَی عَهْدَکُمْ [وَ أَصْدَقَ وَعْدَکُمْ] کَلَامُکُمْ نُورٌ وَ أَمْرُکُمْ رُشْدٌ وَ وَصِیَّتُکُمُ التَّقْوَی وَ فِعْلُکُمُ الْخَیْرُ وَ عَادَتُکُمُ الْإِحْسَانُ وَ سَجِیَّتُکُمُ الْکَرَمُ وَ شَأْنُکُمُ الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرِّفْقُ وَ قَوْلُکُمْ حُکْمٌ وَ حَتْمٌ وَ رَأْیُکُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنْ ذُکِرَ الْخَیْرُ کُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ بِأَبِی أَنْتُمْ وَ أُمِّی وَ نَفْسِی کَیْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِکُمْ وَ أُحْصِی جَمِیلَ بَلَائِکُمْ وَ بِکُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْکُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرُفِ الْهَلَکَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِی أَنْتُمْ وَ أُمِّی وَ نَفْسِی بِمُوَالاتِکُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِینِنَا وَ أَصْلَحَ مَا کَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْیَانَا وَ بِمُوَالاتِکُمْ تَمَّتِ الْکَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَ بِمُوَالاتِکُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَکُمُ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِیعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَ الْمَکَانُ [وَ الْمَقَامُ] الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِیمُ وَ الشَّأْنُ الْکَبِیرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِینَ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ

لَدُنْکَ رَحْمَهً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا یَا وَلِیَّ اللَّهِ إِنَّ بَیْنِی وَ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوباً لَا یَأْتِی عَلَیْهَا إِلَّا رِضَاکُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَکُمْ عَلَی سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاکُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرَنَ طَاعَتَکُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِی وَ کُنْتُمْ شُفَعَائِی فَإِنِّی لَکُمْ مُطِیعٌ مَنْ أَطَاعَکُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاکُمْ فَقَدْ عَصَی اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّکُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَکُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ اللَّهُمَّ إِنِّی لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَیْکَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الْأَخْیَارِ الْأَئِمَّهِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِی فَبِحَقِّهِمُ الَّذِی أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَیْکَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُدْخِلَنِی فِی جُمْلَهِ الْعَارِفِینَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِی زُمْرَهِ الْمَرْحُومِینَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّکَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ* وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ سَلَّمَ [تَسْلِیماً] کَثِیراً وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ

مؤلف گوید که این زیارت را شیخ نیز در تهذیب نقل کرده و بعد از این دعای وداعی نقل کرده‌اند که ما به ملاحظه اختصار آن را ذکر ننمودیم و این زیارت چنانکه علامه مجلسی فرموده بهترین زیارت جامعه است از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت و والد ماجدش در شرح فقیه فرموده که این زیارت احسن و اکمل زیارات است و من تا در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمه علیهم¬السلام را مگر به این زیارت

پاورقی بخش سوم

(۱)- بحارالانوار/ ج ۱۰۲/ ص ۱۴۴.

بخش چهارم: گفتارهای نورانی از امام هادی علیه السلام

اشاره

۱- فضیلت علمای شیعه

قال الامام العسکری علیه السلام : قال علی بن محمدعلیهماالسلام: «لو لا من یبقی بعد غیبهٔ قائمکم علیه السلام من العلماء، الداعین الیه، و الدالین علیه، و الذابین عن دینه بحجج الله، و المنقذین لضعفاء عبادالله من شباک ابلیس و مردته، و من فخاخ النواصب، لما بقی أحد الا ارتد عن دین الله، ولکنهم الذین یمسکون أزمهٔ قلوب ضعفاء الشیعهٔ کما یمسک صاحب السفینهٔ سکانها، أولئک هم الأفضلون عندالله عزوجل.»

امام عسکری علیه السلام از امام هادی علیه السلام نقل می کند که فرمود:

اگر پس از غیبت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، از عالمان کسی نمی‌ماند که به سوی خدا دعوت، و راهنمایی کند، و با [براهین و] حجج الهی از دینش دفاع کند، و بندگان ناتوان خدا را از دام‌های ابلیس و سرکشان، و از تله‌های نواصب (۱) برهاند، همه از دین خدا برمی گشتند، ولی ایشان زمام دل‌های شیعیان ناتوان را [در دریای توفانی جهل و ظلم]، همچون ناخدای سکان دار کشتی در دست دارند، ایشان نزد خدای سبحان برترین منزلت را دارند.

۲- مال حرام

کلینی با سند خود از داوود صرمی نقل می کند که گفت: امام هادی علیه¬السلام فرمود: داوود! حرام، رشد و فزونی ندارد، و اگر هم داشته باشد برکت ندارد، و آنچه از حرام انفاق شود، پاداش ندارد، و آنچه از حرام پس از انسان باقی می‌ماند، توشه‌ی آتش او خواهد بود. (۲)

۳- قال علیه¬السلام: «مَنِ اتَّقَی اللَّهَ یُتَّقَی، وَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ یُطَاعُ، وَ مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ یُبَالِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِینَ، وَ مَنْ أَسْخَطَ الْخَالِقَ فَقَمَنٌ أَنْ یَحُلَّ بِهِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِین.» (۳)

فرمود: کسی که تقوی الهی را رعایت نماید و مطیع احکام و مقررات الهی باشد، دیگران مطع او می‌شوند. و هر شخصی که اطاعت از خالق نمایـد، باکی از دشـمنی و عـداوت انسان‌ها نخواهـد داشت؛ و چنانچه خـدای متعال را با معصیت و نافرمان خود به غضب درآورد، پس سزاوار است که مورد خشم و دشمنی انسان‌ها قرار گیرد.

۴- قال علیه¬السلام : «مِنْ أَنِسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاس، و علامهٔ الأنس بالله الوحشهٔ من الناس.»(۴)

فرمود: کسـی که با خداونـد متعال مونس باشـد و او را أنیس خود بداند، از مردم احساس وحشت می کند. و علامت و نشانه أنس با خداوند وحشت از مردم است – یعنی از غیر خدا نهراسیدن و از مردم احتیاط و دوری کردن –.

۵- قال علیه¬السلام: «السهر ألذ المنام، و الجوع یزید فی طیب الطعام.»(۵)

فرمود: شب زنده¬داری، خواب بعد از آن را لذیذ می گرداند؛ و گرسنگی در خوشمزگی طعام می‌افزاید – یعنی هر چه انسان کمتر بخوابد بیشتر از خواب لذت می‌برد و هر چه کم خوراک باشد مزه غذا گواراتر خواهد بود –.

۶- قال علیه¬السلام: « الْهَزْلُ فُکَاهَهُٔ السُّفَهَاءِ، وَ صِنَاعَهُٔ الْجُهَّال.» (۶)

فرمود: مسخره کردن و شوخی‌های -بی‌مورد- از بی‌خردی است و کار انسان‌های نادان می‌باشد.

۷- قال علیه¬السلام: « النَّاسُ فِی الدُّنْیا بِالْأَمْوَالِ وَ فِی الْآخِرَهِٔ بِالْأَعْمَال.» (۷)

فرمود: مردم در دنیا به وسیله ثروت و تجملات شهرت می‌یابند ولی در آخرت به وسیله اعمال محاسبه و پاداش داده خواهند شد.

۸- قال علیه¬السلام: «مخالطهٔ الأشرار تدل علی شرار من یخالطهم.»(۸)

فرمود: همنشین شدن و معاشرت با افراد شرور نشانه پستی و شرارت تو خواهد بود.

۹- قال علیه¬السلام: «یَأْتِی عُلَمَاءُ شِیعَتِنَا الْقَوَّامُونَ لِضُعَفَاءِ مُحِبِّینَا وَ أَهْلِ وَلَایَتِنَا یَوْمَ الْقِیَامَهِٔ، وَ الْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تِیجَانِهِم.» (۹)

فرمود: علمـاء و دانشـمندانی که به فریـاد دوسـتان و پیروان مـا برسـند و از آن‌هـا رفع مشـکل نماینـد، روز قیـامت در حـالی محشور می‌شوند که تاج درخشانی بر سر دارند و نور از آن‌ها می‌درخشد.

۱۰- قال علیه¬السلام: « اذْکُرْ مَصْرَعَکَ بَیْنَ یَدَیْ أَهْلِکَ- وَ لَا طَبِیبَ یَمْنَعُکَ وَ لَا حَبِیبَ یَنْفَعُک.»(۱۰)

فرمود: به یـاد آور و فراموش نکن آن حـالت و موقعی را که در میـان جمع اعضـاء خانواده و آشـنایان قرار می گیری و لحظات آخر عمرت سپری می‌شود و هیچ پزشکی و دوستی – و ثروتی – نمی‌تواند تو را از آن حالت نجات دهد.

۱۱- قال علیه¬السلام: « الْحِکْمَهُٔ لَا تَنْجَعُ فِی الطِّبَاعِ الْفَاسِدَهِٔ.»

فرمود: حکمت اثری در دل‌ها و قلب‌های فاسد نمی گذارد.

۱۲- قال علیه¬السلام: « مَنْ رَضِیَ عَنْ نَفْسِهِ کَثُرَ السَّاخِطُونَ عَلَیْه.»

فرمود: هر که از خود راضی باشد بدگویان او زیاد خواهند شد.

۱۳- قال علیه¬السلام: « الْمُصِیبَهُٔ لِلصَّابِرِ وَاحِدَهٌٔ وَ لِلْجَازِعِ اثْنَتَان.»

فرمود: مصیبتی که بر کسی وارد شود و صبر و تحمل نماید، تنها یک ناراحتی است؛ ولی چنانچه فریاد بزند و جزع کند دو ناراحتی خواهد داشت.

۱۴- قال علیه¬السلام : « إِنَّ لِلَّهِ بِقَاعاً یُحِبُّ أَنْ یُدْعَی فِیهَا فَیَسْتَجِیبَ لِمَنْ دَعَاهُ، وَ الْحَیْرُ مِنْهَا.»

فرمود: برای خداونـد بقعه‌هایی است که دوست دارد در آن‌ها خـدا خوانده شود تا آن دعاها را مستجاب گرداند که یکی از بقعه‌ها حائر و حرم امام حسین علیه¬السلام خواهد بود. ۱۵- قال علیه¬السلام: «مَنْ هَانَتْ عَلَیْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنْ شَرَّه.»

فرمود: هر کس به خویشتن اهانت کند (کنترل نفس نداشته باشد) خود را از شر او در أمان ندان.

۱۶- قال علیه¬السلام: «لَمْ یَزَلِ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَیْ‌ءَ مَعَهُ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْیَاءَ بَدِیعاً، وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ.»

فرمود: خداوند از أزل، تنها بود و چیزی با او نبود، تمام موجودات را با قدرت خود آفریده، و بهترین نام‌ها را برای خود برگزید.

۱۷- قال علیه¬السلام: «إِذَا قَامَ الْقَائِمِ یَقْضِی بَیْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ کَقَضَاءِ دَاوُدَ علیه‌السلام وَ لَا یَسْأَلُ الْبَیِّنَهُ.»

فرمود: زمانی که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نماید در بین مردم به علم خویش قضاوت می¬نماید؛ همانند حضرت داود علیه¬السلام که از دلیل و شاهد سؤال نمی‌فرماید.

۱۸- قال علیه¬السلام: «مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ یُبَالِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِینَ وَ مَنْ أَسْخَطَ الْخَالِقَ فَقَمَنٌ أَنْ یَحُلَّ بِهِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِین.»

فرمود: هر کس مطیع و پیرو خدا باشد از قهر و کارشکنی دیگران باکی نخواهد داشت.

۱۹- قال علیه¬السلام: «الْعِلْمُ وِرَاثَهٌ کَرِیمَهٌ وَ الْآدَابُ حُلَلٌ حِسَانٌ وَ الْفِکْرَهُ مِرْآهٌ صَافِیَهٌ.»

فرمود: علم و دانش بهترین یادبود برای انتقال به دیگران است، ادب زیباترین نیکی‌ها است و فکر و اندیشه آئینه¬ی صاف و تزیین کننده¬ی اعمال و برنامه‌ها است.

۲۰- قال علیه¬السلام: « الْعُجْبُ صَارِفٌ عَنْ طَلَبِ الْعِلْمِ، دَاعٍ إِلَی الغَمْطِ وَ الْجَهْلِ.»

فرمود: خودبینی و غرور، انسان را از تحصیل علوم باز می‌دارد و به سمت حقارت و نادانی می‌کشاند.

۲۱- قال علیه¬السلام: « الْعِتَابُ مِفْتَاحُ الثِّقَالِ وَ الْعِتَابُ خَیْرٌ مِنَ الْحِقْد.»

فرمود: (مواظب باش که) عتاب و پرخاش گری، مقدمه و کلید غضب است، ولی در هر حال پرخاش گری نسبت به کینه و دشمنی درونی بهتر است (چون کینه، ضررهای خطرناک تری را در بردارد).

۲۲- قال علیه¬السلام: «إِنَّ لِشِیعَتِنَا بِوَلَایَتِنَا لَعِصْمَهً، لَوْ سَلَکُوا بِهَا فِی لُجَّهِْ الْبِحَارِ الْغَامِرَهِْ.»

فرمود: همانا ولایت ما اهل بیت برای شیعیان و دوستانمان پناهگاه أمنی می‌باشد که چنانچه در همه¬ی امور به آن تمسک جویند، بر تمام مشکلات (مادی و معنوی) فایق آیند.

۲۳- قال: سألته عن الحلم؟ فقال علیه¬السلام: «هو أن تملک نفسک و تکظم غیظک، و لا یکون ذلک الا مع القدرهْ.»

یکی از اصحاب از آن حضرت پیرامون معنای حلم و بردباری سؤال نمود

حضرت در پاسخ فرمود: این که در هر حال مالک نفس خود باشی و خشم خود را فرو بری و آن را خاموش نمائی و این تحمل و بردباری در حالی باشد که توان مقابله با شخصی را داشته باشی.

۲۴- قال علیه¬السلام: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْیا دَارَ بَلْوَی وَ الْآخِرَهَ دَارَ عُقْبَی، وَ جَعَلَ بَلْوَی الدُّنْیَا لِثَوَابِ الْآخِرَهِ سَبَباً وَ ثَوَابَ الْآخِرَهِ مِنْ بَلْوَی الدُّنْیا عِوَضاً.»

فرمود: همانا خداوند، دنیا را جایگاه بلاها و امتحانات و مشکلات قرار داد؛ و آخرت را جایگاه نتیجه گیری زحمات، پس بلاها و زحمات و سختی‌های دنیا را وسیله¬ی رسیدن به مقامات آخرت قرار داد و اجر و پاداش زحمات دنیا را در آخرت عطا می‌فرماید.

پاورقی بخش چهارم

(۱)- ابن‌ادریس حلی با سند خود از محمد بن احمد... و موسی بن محمد... نقل می کند که گفت:

با نامه از امام هادی علیه¬السلام پرسیدم: آیا در آزمون ناصبی به بیش از این نیاز دارم که ببینم جبت و طاغوت را مقدم می‌دارد و به امامت ایشان باور دارد؟ در پاسخم نوشت: هر که بر این باور باشد او ناصبی است. (السرائر/ج ۳/ص ۵۸۳؛ وسائل/ج ۶/ص ۳۴۱/ح ۱۴).

(۲)- وسائل/ج ۱۲/ ص ۵۳/ ح ۲۲۰۴۲؛ کافی/ج ۵/ص ۱۲۵/ ح ۷.

(۳)- بحارالانوار/ ج ۶۸/ ص ۱۸۲/ ح ۴۱.

(۴)- عده الداعی/ ص ۲۰۸.

(۵)- بحارالانوار ج ۸۴/ ص ۱۷۲.

(۶)- بحارالانوار/ ج ۷۵/ ص ۳۶۹/ ح ۲۰.

(۷)- اعیان الشیعه/ ج ۲/ ص ۳۹.

(۸)- مستدرک الوسایل/ ج ۱۲/ ص ۳۰۸/ ح ۱۴۱۶۲.

(۹)- بحارالانوار/ ج ۲/ص ۶/ ح ۱۳.

(۱۰)- اعلام الدین/ ص ۳۱۱.

(۱۱)- اعلام الدین/ ص ۳۱۱.

(۱۲)- بحارالانوار/ ج ۶۹/ ص ۳۱۶/ ح ۲۴.

(۱۳)- اعلام الدین/ ص ۳۱۱/ س ۴.

(۱۴)- تحف العقول/ ص ۳۵۷.

(۱۵)- تحف العقول/ ص ۳۸۳.

(۱۶)- بحارالانوار/ ج ۵۷/ ص ۸۳/ ح ۶۴.

(۱۷)- بحارالانوار/ ج ۵۰/ ص ۲۶۴/ ح ۲۴.

(۱۸)- بحارالانوار/ ج ۵۰/ ص ۱۷۷/ ح ۵۶.

(۱۹)- مستدرک الوسایل/ ج ۱۱/ ص ۱۸۴/ ح ۴.

(۲۰)- بحارالانوار/ ج ۷۵/ ص ۳۶۹/ س ۴.

(۲۱)- نزهه الناظر/ ص ۱۳۹/ ح ۱۲.

(۲۲)- بحارالانوار/ ج ۵۰/ ص ۲۱۵/ ح ۱.

(۲۳)- مستدرک الوسایل/ ج ۲/ ص ۳۰۴/ح ۷.

(۲۴)- تحف العقول/ ص ۳۵۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹